

حقیقت

نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران / سینما حقیقت ■ شماره چهارم ■ چهارشنبه ۱۲ آذرماه ۱۳۹۳

CINEMA VERITE IRAN INTERNATIONAL DOCUMENTARY FILM FESTIVAL.No.4.WED,3RD DEC.2014

حامد خورشیدی / نشریه روزانه



کاش CUT 4

پرونده امروز
ستاره هادر عرصه گفتار متن
دوئل بر سر صدا

کارگاه‌های پژوهشی برگ برنده جشنواره

استقبال مخاطبان از کارگاه‌های امسال غافلگیر کننده بود



**سینمای مستند
آینده سینمای جهان**

رسول صدر عاملی در گفت و گو با نشریه
روزانه از اهمیت سینما مستند گفت

7

**بازار داغ
رکوردشکنی**

از دحام مخاطبان در سینما فلسطین
تنور روز سوم جشنواره را داغ کرد

2

**فیلم‌های متنوع
جشنواره‌ای منظم**

مصطفی رزاق کریمی داور بخش
مسابقه ملی عنوان کرد

6

بازار داغ ر کور دشکنی

هشتمین جشنواره بین المللی سینما حقیقت به نیمه رسید



همین دست آثار بود که شب گذشته سالن اصلی سینما فلسطین را شلوغ کرد و مستندساز دیگری را به فهرست مدعیان شکستن رکورد مخاطب در جشنواره هشتم افزود. فهرستی که پیش از این نام مستندسازانی چون محسن خانجهرانی با «گزارش یک باز پرس»، هادی آفریده با «چنارستان» و چند مستندساز دیگر در آن ثبت شده بود. باید دید این رقابت تا پایان جشنواره چه سمت و سوی می گیرد. چرا که هنوز مستندسازان نام آور بسیاری در نوبت اکران هستند.

بازار گرم پژوهش

فارغ از هیاهوی اکران در سالن های اصلی و فرعی اما جشنواره هشتم برنامه جبین پروپیمانی هم دارد که غالباً حاصل تلاش و تکاپوی برویجه های واحد تحقیقات و پژوهش مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی است. نشست رونمایی از کتاب و نشست صمیمانه با مستندسازان و پژوهشگران سرآمد این برنامه هاست که روز گذشته با حضور شاهپور عظیمی و دکتر غلامرضا آزادی سروشکلی تخصصی و حرفه ای ویژه تری به خود گرفت. توزیع شماره جدید فصلنامه «سینماحقیقت» را هم به این فعالیت ها اضافه کنید تا باور کنید به واحد تحقیقات و پژوهش مرکز گسترش باید دستمربزاد گفت.

دیگر موتور جشنواره هشتم گرم شده و شواهد نشان می دهد که آرام آرام می توان بازی دو دو تا چهار تایی محاسبه مخاطبان هر فیلم و راه انداختن بازار داغ ر کور دشکنی ها را کلید زد. به خصوص که منوی فیلم های حاضر در جشنواره امسال آنقدر متنوع و پر شمار است که هر یک ظرفیت تبدیل شدن به ستاره خوش اقبال جدول اکران روزانه سالن های اصلی جشنواره را دارند. تا به اینجا البته اقبال بیشتر با مستندسازانی بوده که رجوع به کارنامه و تولیدات قبلی شان مهم ترین انگیزه مخاطبان برای تماشای فیلم تازه شان بوده است.

بخت خوش «بختک»!

دیروز سه شنبه، سومین و امروز چهارمین روز برگزاری جشنواره هشتم بود و با احتساب هشت روز برگزاری و توزیع متناسب آثار در جدول اکران دو سینمای فلسطین و سپیده می توان نتیجه گرفت با احتساب فیلم های امروز بیش از نیمی از آثار پذیرفته شده در جشنواره هشتم روی پرده رفته و در مواجهه با مخاطب محک خورده اند. اما تا به امروز میزان استقبال از آثار جشنواره یکسان نبوده است در فهرست آثار بودند فیلم هایی که علاوه بر سالن اصلی فلسطین در های سالن های دیگر را هم روی مخاطبان گشودند. مستند «بختک» از

سایه روشن

طی سال های گذشته در جشنواره سینما حقیقت، هم داوری کرده ام و هم شرکت کرده ام. می توانم بگویم جشنواره هشتم سینما حقیقت رشد کیفی خیلی خوبی نسبت به سال های گذشته داشته است. البته این جشنواره هر سال حرکتی رو به جلو دارد و حالا به عنوان مهم ترین جشنواره اختصاصی فیلم مستند در ایران جایگاه خود را پیدا کرده است.

پس می توان گفت جشنواره سینما حقیقت برای همه مستندسازان و کسانی که کار کوتاه و تجربی انجام داده اند مهم ترین جشنواره است و معتقدم هر سالی که می گذرد با کشف استعداد های تازه، جریان جدیدی در فیلم مستند ایجاد می شود. از همین معبر مطمئن هستم با برنامه ریزی و اطلاع رسانی خوب می توان مخاطبان زیادی به سالن ها کشاند و قطعاً مخاطب ناراضی از جشنواره خارج نمی شود.

اما فیلم های امسال، متأسفانه در حوزه فیلم های کوتاه و نیمه بلند، جز چند مورد اثر، مابقی در خور توجه نبودند. فیلم ها موضوع خیلی خوبی دارند اما در سطح موضوع و ایده باقی می ماند. داستان با قدرت شروع می شود ولی متأسفانه در ادامه از ریتم می افتد و خوب به سر انجام نمی رسد.

اما در بخش آثار بلند اتفاق های خوب و بی نظیری افتاده. یکی تنوع موضوع است که فیلمسازان جوان و باتجربه توانان به آن پرداخته بودند. دیگری هم پیشرفت فنی و تکنیکی در استفاده از ابزار، تصویربرداری و تدوین است. مشخصاً چند فیلم با موضوع حیات وحش دیدم که نسبت به سال های قبل پیشرفت چشمگیری داشتند. چند مستند در موضوع سیاسی و چند مستند در موضوع اجتماعی که هم از لحاظ فنی قابل تامل و تحسین برانگیز بودند هم پرداخت.

نکته دیگر این که مسئله تحقیق و پژوهش در فیلم های جشنواره امسال رشد قابل قبولی داشت. از آنجا که یکی از مولفه های اصلی در مستندسازی تحقیق و پژوهش است، این نکته در غالب آثار خوبی مشهود بود و خیلی از فیلم ها پژوهش خوب میدانی و کتابخانه ای داشتند.

با اطمینان می توانم بگویم برخی فیلم های امسال جشنواره در بخش مستند بلند، مخاطب را تا انتها حفظ می کنند و این چیز کمی نیست. این فیلم ها حتی قابلیت اکران عمومی در کنار آثار داستانی را نیز دارند.



سعید احوالی

داور مسابقه ملی جشنواره سینما حقیقت



دیدار خورشید و حقیقت

نمایندگان یک جشن سینمایی خصوصی در کاخ جشنواره

هم سعی داریم بستری را برای معرفی صحیح تولیدات ایرانی در عرصه های جهانی فراهم بیاوریم. وی بر همین مبنا یکی از اهداف حضور در «سینماحقیقت» را اینگونه تشریح کرد: «اعتبار این جشنواره بستری است برای شناخت بهتر فیلم هایی که ظرفیت عرضه و حضور در این فرآیند را دارند.» چهارمین جشنواره «خورشید» دی ماه امسال در تهران برگزار می شود. او در ادامه گفت: «حضور محمد آفریده از بنیانگذاران سینما حقیقت در شورای سیاست گذاری خورشید می تواند حلقه وصل مبارکی برای این دورویداد باشد.»



«چهارمین جشن مستقل فیلم کوتاه و مستند خورشید» این عنوان جشنواره ای است که اگر چه دی ماه امسال برگزار می شود؛ اما نمایندگان آن حضوری فعال در جشنواره سینماحقیقت دارند تا از این بستر نهایت استفاده را برای برقرار ارتباط و تعامل بیشتر با مستندسازان داشته باشند. مهدی یار محمدی دبیر این جشنواره روز گذشته گفت و گوی کوتاهی با نشریه روزانه درباره این جشنواره گفت: «اساس شکل گیری جشنواره خورشید حمایت از مشارکت و سرمایه گذاری بخش خصوصی در زمینه تولید فیلم های مستند و کوتاه هنری بوده است. به همین دلیل در این جشنواره ارزش گذاری و داوری آثار مبتنی بر خود آثار به عنوان یک محصول مستقل فرهنگی انجام می گیرد.» یار محمدی ادامه داد: «در بخش بین الملل

آقای همه کاره!

دور از ذهن نیست بگوئیم بسیاری از کسانی که شب گذشته به اعتبار نام محمد کارت و مستند موفق قبلی او یعنی «خونردگی» برای تماشای «بختک» به سینما فلسطین آمده بودند، حدس نمی زدند که این فیلم ستاره سینمایی دیگری هم دارد. رامید جوان که پیش تر کارگردانی، بازیگری، نویسندگی و اجرا را تجربه کرده بود شب گذشته در قامت یک تهیه کننده مهمان جشنواره سینما حقیقت شد. آن هم با فیلمی که از مدعیان اصلی رکورد شکنی در زمینه جذب مخاطب شده است. حضور رامید جوان در آیین افتتاحیه این فیلم البته همچون دیگر حضورهای او برنامه صحبت با عوامل فیلم را از رسمیت انداخت و تبدیل به خوش و بش گروه فیلمساز با مخاطبان کرد!



پیام آوران تعامل



یکی از بخش های جنبی جشنواره هشتم سینما حقیقت حضور نمایندگان جشنواره های معتبر جهانی در کاخ جشنواره و نشست ها و گردهای تعاملی ایشان با مستندسازان ایرانی است. همانطور که در شماره روز گذشته اشاره شد حضور تقی امیرانی نماینده رسمی جشنواره شفیلد انگلیس در سینما فلسطین در شب سوم جشنواره یکی از اولین برنامه ها بود. روز گذشته اما این برنامه با حضور خانم «آن تومه» نماینده رسمی جشنواره مستند مونیخ آلمان ادامه پیدا کرد. به خصوص که از روز گذشته با آغاز به کار بازار فیلم جشنواره، این حضور رنگ و بوی تعاملی بیشتری هم به خود گرفت. هدف از حضور این نمایندگان از جشنواره های معتبر جهانی رایزنی و مشاوره با مستندسازان ایرانی برای فراهم آوردن بستر تعامل بیشتر با محافل معتبر سینمای مستند در سطوح بین المللی و در عین حال افزایش سطح همکاری «سینما حقیقت» به عنوان معتبرترین جشنواره مستند منطقه با این محافل است.

اتفاق روز

بفرمائید مستند

دیگر تکراری است اینکه بگوئیم راهروهای کاخ جشنواره این روزها به خصوص حوالی عصر مملو از جمعیت است و رفتن از سوئی به سوی دیگر کاملاً دشوار! اما واقعیت این است که درهای باز جشنواره به روی مخاطبان آزاد برخلاف جشنواره های سینمایی دیگر بستری را فراهم آورده است تا تنها لازمه حضور در سالن های نمایش فیلم «علاقه به سینمای مستند» باشد. به همین دلیل در ساعات پر ازدحام سالن های اصلی اکران فیلم در جشنواره شاهد حضور طیف متنوعی از مخاطبان هستیم که تنها یک وجه مشترک دارند و آن سینمادوستی است. این شرایط اما به حضور پر شمار مخاطب در سالن های اکران محدود نشده و در روزهای اخیر عده قابل توجهی را ناگزیر از حضور در بالکن های سالن اصلی سینما فلسطین و عجیب تر از آن تماشای ایستاده آثار کرده است. در برخی ستانس ها میزان حضور مخاطب برای تماشای فیلم به حدی می رسد که نه فقط صندلی های سالن اصلی که ظرفیت افراد نشسته بر روی زمین و یا افراد ایستاده در دور سالن هم به طور کامل تکمیل شده و به معنای واقعی کلمه جای سوزن انداختن در سالن نیست. اگر فکر می کنید این یک اغراق رسانه ای است کافی است فقط یک بار در ستانس های عصر مهمان کاخ جشنواره شوید؛ برای جای نشستن قول نمی دهیم اما بلیط مهمان ما!

مصائب زبان اصلی!



زمانی که مجری نشست «شب های نقد» خطاب به یکی از فیلمسازان خارجی آرزو کرد که فیلم های ایرانی بسیاری در جشنواره ببیند و برای هموطنانش از سینمای ایران بگوید احتمالاً انتظار هر جوابی داشت غیر از این؛ «تفقا بسیار علاقه مندیم که آثار مستندسازان ایرانی را روی پرده ببینیم اما متأسفانه غالب آثاری که اینجا اکران می شود فاقد زیر نویس است و اصلانی توانم از آن لذت ببرم» این نشان دهنده یکی از دغدغه های اصلی طیفی از مهمانان خارجی جشنواره است که گذری به جشنواره نیامده اند و علاقه مندند از سینمای ایران هم دریافت و اندوخته ای با خود ببرند. این دیالوگ کوتاه در نشست «شب های نقد» روز گذشته البته بی واکنش هم نبود و علیرضا قاسم خان در مقام معاون تحقیقات و پژوهش مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی که در سالن حاضر بود بلافاصله اعلام کرد از این به بعد کلیه آثار ارائه شده به مرکز از سوی مستندسازان می بایست دارای زیر نویس باشند. البته این وعده نویدبخش رفع این مشکل برای دوره های بعد «سینما حقیقت» است.

حاشیه روز



■ روبرت صافاریان

کوچ شاعرانه

منتقد و مستندساز با سابقه امشب با «در فاصله دو کوچ» به سینما فلسطین می آید؛ ساعت ۲۲ در سالن شماره ۲ فلسطین به تماشای روایت شاعرانه او بنشینید.



■ محسن خانجهانی

عبور از آزارها

دست پر به جشنواره آمده؛ پس از اکران موفق «گزارش یک باز پرس» در سینما فلسطین، دومین مستندش «آزارها» ساعت ۱۸:۱۵ امروز در سینما سپیده رونمایی می شود.



■ احمد طالبی نژاد

واقعه در قاب

منتقد صاحب نام و پیشگسوت سینما با اثری ارزشمند به سینما حقیقت آمده است. روایت و نقد او بر مستندهای عاشورایی سینمای ایران امروز رونمایی می شود.

تجزیه ها

بهای نقد

نمین جشنواره بین‌المللی

مستند ایران

نما حقیقت



روایت هنرمندان نهایی

جلسات نقد و بررسی جشنواره در سومین شب هم با نقد و بررسی سه فیلم شلوغ و پرهیجان دنبال شد

مجری کارشناس و منتقدان شب سوم: شاهین امین، رامتین شهبازی و بهمن نورایی

Story of Solitude

The review meeting of the festival's third day was held by the presence of Shahin Amin, Ramtin Shahbazi and Bahman Nouraei, Christiana Perschon, Yrsa Roca Fannberg, and Mahmoud Karimi. During the session, three films were reviewed including 'Noema', 'Salome', and 'Time in the Story of Monsieur Setboun'. As mentioned, the importance of 'Noema' was about the experience of watching and that how we can separate footage from narration, while adding narration can change our perspective of the narrative.

زمان به وقت موسیوست بن

- موضوع مستند: سفر عکاس فرانسوی به ایران
- کارگردان: محمود کریمی

فیلم درباره میشل ستبون عکاس فرانسوی است که بعد از گذشت ۳۶ سال از انقلاب به ایران می‌آید. اواز حدود هشت هزار فریم عکس از آن دوران ثبت کرده‌است.

محمود کریمی: این یک شانس بود که این کار به بنده سفارش شد، از من خواستند از حضور آقای میشل ست بن که قرار بود برای داوری به ایران بیایند مستندی بسازم. سعی مان این بود که این مستند مثل کارهای قبل نباشد. البته زمان حضور ایشان در ایران کم بود و به همین دلیل ایده اولیه ناتمام ماند. موسیو دوستی ایرانی در سال‌های انقلاب داشت که به واسطه او در جریان وقایع انقلاب قرار می‌گرفت. قرار ما این بود که به دنبال این فرد بگردیم که متوجه شدیم از ایران خارج شده‌اند. با ایده دیگری سراغ کار رفتیم. شانس آوریم که آقای بن کاملادر خدمت گروه بود و هر کاری خواستیم کردیم!

رامتین شهبازی: فیلم آقای کریمی پتانسیل پرداخت میان رشته‌ای را دارد. نکته‌ای که در این فیلم برای من اهمیت داشت نگاهی بود که نسبت به شهر در این فیلم شکل گرفت. کار با ست بن آغاز می‌شود اما تمام بار فیلم روی این شخصیت نمی‌ماند که اگر می‌ماند کار خسته‌کننده می‌شد. اتفاقی که در تجربه تماشاگر این فیلم شاهدش بودم نگاه آقای کریمی در ارائه تعریفی جدید از شهر است. ست بن برای ما یک «دیگری» محسوب می‌شود. اینکه ما شهر خود را چگونه از چشم دیگری ببینیم این کلید خوبی در این فیلم بود که پنجره‌های خوبی را به روی مخاطب باز می‌کند. ما با باز تعریف مکان‌هایی روبه‌رو هستیم که به واسطه عکس‌های این عکاس فرانسوی برای ما باز نمایی می‌شود. با کمک این عکس‌ها که غالباً هم سیاه و سفید هستند مخاطب سفر به گذشته را تجربه می‌کند. کریمی در این فیلم کاری می‌کند که گذشته هم‌نشین زمان حال می‌شود.

سالومه

- موضوع مستند: یک رابطه خانوادگی
- کارگردان: یرسار و کافنبرگ (ایسلند)

کارگردان ایسلندی زندگی هنری مادرش را سوژه «سالومه» کرده و از خلال آن رابطه میان خود و مادرش را به تصویر کشیده‌است.

یرسار و کافنبرگ: اولین باری بود که فیلمی از خودم را با مخاطبان ایرانی می‌دیدم و واقعا افتخار و لذت نابی بود که فیلم را در فضایی غیر از فضای بومی خود ببینی. خوش شانس دیگری این بود که توانسم با برخی دوستان ایرانی درباره فیلم صحبت کنم. در این مستند ایده اصلی‌ام این بود که می‌خواستم روایتی از زندگی مادرم را از خلال فعالیت هنری او ارائه دهم. ولی خیلی زود متوجه شدم ماده اولیه‌ای که به درد کار من می‌خورد رابطه من و مادرم است. برای همین سوء تفاهم میان ما تبدیل به سوژه کار شد. در کشور ما ایسلند شوخ طبعی، خیلی جدی و تا حدودی بی‌رحمانه است و به همین دلیل این کار در کشورم خنده‌دارتر از دیگر نقاط است. مخاطب ایسلندی متوجه بازیگوشی مادر من در برخی موارد می‌شود. فیلم من پایان و خاتمه ندارد و بیشتر به دنبال این بودم که با نشان دادن گوشه‌ای از یک زندگی مدام سوالات تازه طرح کنم.

رامتین شهبازی: این فیلم هم درباره کشف و شهود است. اتفاق جالب در این فیلم آشنایی زدایی از یک رابطه فامیلی است که در فرآیند فیلمسازی رخ می‌دهد. به نوعی فیلم مستند واسطه‌ای می‌شود تا از منظر فرد پشت دوربین به تصویری از فرد مقابل دوربین برسیم. اینکه این فرآیند چگونه قرار است به مخاطب منتقل شود از نکات جالب فیلم بود. برعکس فیلم «نوما» در این فیلم روایت با تصاویر بسته آغاز می‌شود انگار شخصیت اصلی روایت را می‌شناسیم که یک مادر هنرمند است. بعد آرام آرام از این تصویر دور می‌شویم، آشنایی زدایی از آن می‌شود تا بتوانیم به شناخت کامل برسیم. تقابل با شخصیت مقابل دوربین با فرد پشت دوربین یک تقابل ذهنی است که می‌تواند به مواجهه فیزیکی هم بیانجامد.

نوما

- موضوع مستند: نابینایی یک نقاش پیر
- کارگردان: کریستینا پرچسن (اتریش)

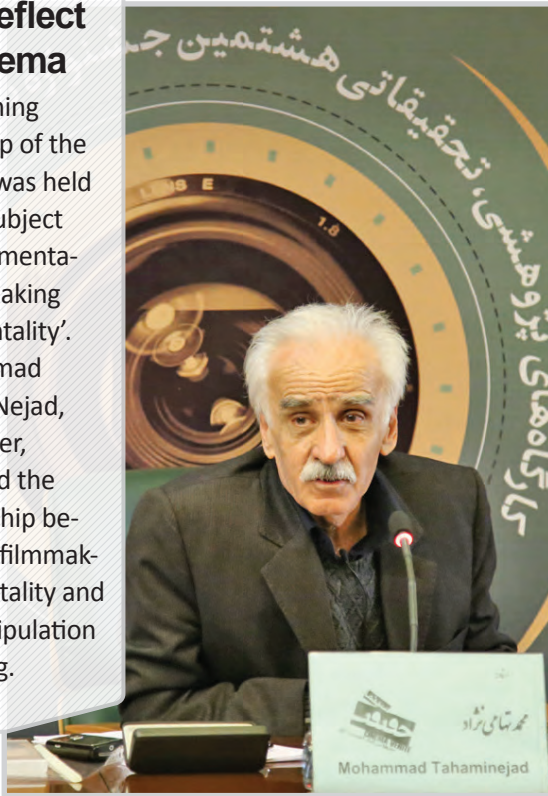
«نوما» داستان نقاشی است که آرام آرام بینایی‌اش را از دست می‌دهد: کریستینا پرچسن سراغ این نقاش ۹۳ ساله رفته و این لحظات را ثبت کرده‌است.

کریستینا پرچسن: خوشحالم که فیلمم در این جشنواره پذیرفته شده و در جمع شما هستم. فیلم نوما درباره پروسه دیدن و تجربه کردن است. ما ابتدا چیزی را تجربه می‌کنیم که به واسطه تکرار همین تجربه تبدیل به حافظه می‌شود. این محور اکثر کارهای من است. در این فیلم هم داستان نقاش ۹۳ ساله‌ای که در آستانه نابینایی قرار دارد ایده اولیه من بود و همه چیز با همین ایده آغاز شد. مرحله پژوهش و تصویربرداری هم زمان انجام گرفت و بنده نزدیک به دو و نیم سال با این خانم نقاش همراه بودم تا بعد از آن به مرحله تدوین رسیدم و نسخه نهایی آماده شد.

رامتین شهبازی: اهمیت فیلم نوما در بحث «تجربه دیدن» بود و اینکه چگونه در یک فیلم مستند می‌توان تصویر را از امر نریشن جدا کنیم اما بعد از افزودن نریشن نگاه ما به روایت تغییر کند. از زمانی که شخصیت اصلی فیلم در یک نریشن می‌گوید: «دارم بینایی‌ام را از دست می‌دهم» کارگردان ذهنیت و زاویه دید خود را بر زاویه دید شخصیت منطبق می‌کند و تصاویر، دیگر تصاویر واضحی از جهان نیست و گویی نوعی توهم نسبت به جهان اطراف مواجهیم. هر چه خانم نقاش به سمت نابینایی می‌رود مخاطب با اطلاعات فیلمساز به سمت بینایی بیشتر می‌رود. کارگردان کمک می‌کند تا جهان اطراف را بهتر بشناسیم و به همین دلیل فکر می‌کنم زاویه پیرامونی نقاش، منطقی میان زاویه نگاه کارگردان با زاویه دید کاراکتر اصلی است. این کشف و شهود تا جایی ادامه دارد که ما خودمان به جای کاراکتر اصلی قرار می‌گیریم.

Self-reflect in Cinema

The evening workshop of the 3rd day was held on the subject of 'Documentary Filmmaking and Mentality'. Mohammad Tahami-Nejad, researcher, explained the relationship between a filmmaker's mentality and the manipulation occurring.



بازتاب خود در سینما

محمد تهامی نژاد در کارگاه تخصصی روز سوم از مستند و ذهنیت گفت

کارگاه آموزشی عصر

موضوع کارگاه: مستند و ذهنیت

مهمان: محمد تهامی نژاد / پژوهشگر و مستندساز

سومین روز از هشتمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» در کارگاه تخصصی عصر گاهی، محمد تهامی نژاد به مقوله رابطه ذهنیت فیلمساز و میزان و نحوه دخالت آن در مستندها پرداخت. وی مستندساز و فارغ‌التحصیل موسسه روزنامه‌نگاری کیهان، مرکز آموزش، تلویزیون و کارشناس سینما از مجتمع دانشگاهی هنر است. مستند «از مشروطیت تا سپینتا» یکی از آثار تهامی نژاد است.

محمد تهامی نژاد در ابتدای کارگاه تخصصی خود با اشاره به اینکه ورود سوپزکتیویته به مباحث دینی در فیلم مستند مجاز نیست گفت: در ایران و در نقد مدرنیته، غالباً سوپزکتیویته را نفسانی ترجمه کرده‌اند و به همین دلیل ورود آن به مباحث دینی مجاز نیست. در فیلم‌های جنگی صحنه پردازی و یا تدوین ذهنی وجود ندارد بلکه تاویل اهمیت پیدامی کند.

معنای متفاوت ذهنیت در ایران

تهامی نژاد در ادامه عنوان کرد: ذهنیت در پارهای از مستندهای ایرانی معنای متفاوتی با جهان تاریخی مورد نظر بیل نیکولز دارد. مثلاً محمد رضا اصلانی تعریفش متفاوت از تعریف بیل نیکولز است. مستند «چیخ» به کارگردانی اصلانی در جهان تاریخی می‌گذرد و اشاره‌ای به جهان ذهنی ندارد. در حقیقت می‌توان گفت فیلم «چیخ» این مستندساز ارتباطی به ذهنیت وی ندارد، بلکه به جهان تفکر اسطوره‌های مردمان مربوط می‌شود. او در ارتباط با خودبیانگری در فیلم مستند گفت: خودبیانگری در اینجا مستند در جهان تاریخی به خودبیانگری می‌پردازد خودبیانگری یکی از الگوهای ذهنیت پردازی در سینما است. کارگردان در صحنه حضور دارد این نوع فیلم‌ها مستند اول شخص هستند.

خلاقیت امری خودبیانگر ایا نه است

البته در اینجا باید به این نکته اشاره کنم که خلاقیت امری خودبیانگر ایا نه است. البته برخی از فیلم‌های مستندبیانگر ذهنیت فیلمساز نیستند بلکه سرشار از خودبیانگری هستند. بیل نیکولز گفته است تمايلات آرزوها و نوع نگاه انسان مجموعه ذهنیات او را می‌سازد. ذهنیت برای بیان خودش به زبان نیاز دارد و آن زبان سینما می‌تواند باشد. فیلم مستند «از مشروطیت تا سپینتا» زمانی که با سایه بازی شروع می‌شود، نمایشگر نگاه من و ذهنیت من به تاریخ هنر ایران است که با سایه بازی آغاز می‌شود.

بازتاب خود در سینما

وی با اشاره به حضور فیلمساز در اثرش گفت: در شیوه‌شناسی سینما، خودبیانگری با شخصیت‌هایی همچون مایکل مور دگرگون شد که با فیلم‌های من تفاوت زیادی دارد. مایکل مور ذهنیت و درک خودش را از جهان ما با مادر در میان می‌گذارد در این بیان توسط وی خود مایکل مور را می‌بینیم. خود شخصیت به عنوان کارگردان ستاره وارد صحنه می‌شود. در این شیوه به این تعریف می‌رسیم که سینما سینمای Self-Reflexive است بدین معنی که بازتاب خود و ذهنیت خود است.

A Valuable Simplicity

Shahpour Azimi's new book, 'Documentary Filmmakers Talk', was unveiled yesterday during the third day of the Cinema Verite festival by the presence of the author, himself. Shahin Amin points out, "The present book is a practical work with a flowing prose".



سادگی گرانشنگ

رونمایی از کتاب تازه شاهپور عظیمی یکی از اتفاق‌های مهم روز سوم جشنواره بود

نام کتاب: مستندسازان سخن می‌گویند

ترجمه: شاهپور عظیمی

مهمانان: شاهپور عظیمی، دکتر غلامرضا آذری، شاهین امین

رونمایی از کتاب «مستندسازان سخن می‌گویند» دومین برنامه ویژه معاونت تحقیق و پژوهش مرکز گسترش بود که شب گذشته با حضور دکتر غلامرضا آذری استاد ارتباطات و از دوستان قدیمی شاهپور عظیمی برگزار و با استقبال مستندسازان حاضر در سینما فلسطین همراه شد.

شاهین امین: کتاب حاضر اثری کاملاً کاربردی با نثری خوش‌خوان و روان است که البته انتظاری غیر از این هم از آقای عظیمی نداشتم. بنده فرصت اندکی برای تورق کتاب داشتم اما در همان یک نگاه واقعا ذوق کردم که آدم‌های حرفه‌سینمای مستند تا این اندازه راحت و کاربردی از تجربیات خود صحبت می‌کنند آن هم بسیار روان خوش فهم. از حضور استاد آذری بهره می‌گیرم و می‌گویم امیدوارم مباحث بین رشته به صورت کاربردی و با همین شیوه خوش‌خوان به مخاطبان ارائه شود.

شاهپور عظیمی: خیلی از متون سینمایی در میان کتابخوان‌های ماه‌نوز به زبان فارسی منتشر نشده‌اند و همه به دنبال به روز بودن هستند. فکر می‌کنند کتاب ۲۰۱۴ از کتاب ۲۰۰۲ مفیدتر است در حالی که اینگونه نیست. هر کتاب جدیدی لزوماً خوب نیست و هر کتاب قدیمی الزاماً بد است! این امین نیست که مطالب را ساده کنم اما سعی می‌کنم ساده باشد. این به دلیل ترجمه من نیست. ساختار و بافت کتاب ساده و روان است. تمام نکات موجود در این کتاب به زعم بنده بسیار کاربردی است و فکر می‌کنم برای مستندسازان ترجمه کتابی که آموزش غیرمستقیم در آن هست بسیار مفید می‌تواند باشد. در سینمای داستانی کتاب‌های بسیار خوبی در باره فیلمبرداری، فیلمنامه‌نویسی و فیلمبرداری منتشر شده و جای کتاب کارگردانی در این میان خالی است. این کتاب هم در سینمای مستند به میث کارگردانی می‌پردازد. شک نداشته باشید اگر غولی امروز در سینمای جهان می‌بینید، بلااستثنا بر روی شانه غول‌های سینمای کلاسیک ایستاده‌اند. ماه‌نوز و در سال ۲۰۱۴ می‌توانیم از فیلم‌های ۸۰ سال پیش چیز یاد بگیریم.

دکتر آذری: شاهپور عظیمی نزدیک دو تا سه دهه است که از رفقای بنده است و افتخار می‌کنم در این جلسه هستم به خصوص به خاطر منش و رفتار شخصی و نیز ویژگی نسلی او. زمانی که جریان جدی فیلمسازی در نسل او آغاز شد و تنها کسی بود که در دو حوزه تئوریک کار خود را در پیش گرفت. در کشور ما حتی دانشگاه‌های ماه‌نوز که هنوز است فرق بین انواع متن را نمی‌دانند و رده‌بندی صحیحی در فرآیند انتشار کتاب ندارند. امروز اگر از بازیگران سینمای ایران بپرسیم آخرین کتابی که خوانده‌اید چه بوده است غالباً آن‌ها خواهند گفت فرصت مطالعه نداریم. این به دلیل این است که سینما کاملاً از منظر ظاهری در ایران مورد توجه است و کمتر به مباحث تئوریک توجه می‌شود. این کتاب دو کار کرد مهم دارد: تک‌تک فصل‌هایش می‌تواند موضوع یک پایان‌نامه باشد. مسئله دوم این است که از مرکز می‌خواهم در کنار انتشار این کتاب‌ها فیلم‌تدریس مباحث آن را هم تولید و منتشر کند چرا که واقعیت این است ما ایرانی‌ها خیلی اهل مطالعه نیستیم.



باید اثر را با معیارهای شسته رفته بررسی کنیم و احساسات را دخیل نکرده تا بتوانیم نظرات دقیقی نسبت به فیلم ارائه دهیم.

استانداردی که شما مطرح می کنید در آثار ارائه شده به جشنواره رعایت شده است؟

در برخی آثار، بله. اما چون جزو هیات داوران هستیم نمی توانم نامی از آنها ببرم. با این تفاسیر جشنواره هشتم را چگونه ارزیابی می کنید؟

به طور کلی معتقدم که سال گذشته برای سینمای حقیقت سال خوبی رقم خورد. برنامه ریزی و ارائه آثار به گونه ای بود که به جز سینماگر، تهیه کننده و مسئولان، شاهد دانشجویان و مردم غیر سینمایی در میان بینندگان بودیم. به اعتقاد من این موضوع نشان می دهد که دایره مخاطبان سینما مستند بسیار گسترده است. برنامه ریزی و سیستماتیک بودن جشنواره امسال و تنوع فیلم های ارائه شده باعث می شود تا به شکل دقیق تری فیلم ها بررسی شود و آثار مورد داوری قرار گیرد. امیدوارم جشنواره بهتری نسبت به سال های گذشته داشته باشیم.

این حجم استقبال مردم را پیش بینی می کردید؟

با تجربه ای که سینما حقیقت سال گذشته از خود نشان داده است، بینندگان بیشتری به خود جلب می کند. موضوعات کاملا متفاوت آثار ارائه شده به جشنواره، امید افزایش تماشاگر را قوت می بخشد.

تفاوتی میان آثار ارائه شده در جشنواره سال گذشته و امسال می بینید؟

متأسفانه پارسال نتوانستم تمام فیلم ها را ببینم. اما در کل اعتقاد دارم فیلمسازهای مستند ما باید کار پژوهش را جدی بگیرند. موضوع من صرفاً کتابخانه ای نیست. فیلمسازها باید بیشتر موضوع را بررسی کنند و کنجکاوی بیشتری از خود نشان دهند. جای این دید در سینمای مستند ما خالی است. فیلمسازها باید به ساختار فیلم و تقسیم بندی نوع محتوای آن عملی تر نگاه کنند و با تئوری صرف به جلو حرکت نکنند. گاهی در یک فیلم مستند یک بخش آنقدر طولانی است و موسیقی آنقدر تکرار می شود که بیننده آزرده می شود. این امر به مسائل پژوهش میدانی یا کتابخانه ای و مسائل فنی برمی گردد. اینگونه بگویم در موضوعات ارائه شده، فیلمساز می تواند با ۲۰ درصد خطا قصه هم بنویسد و سپس کار فیلمبرداری را آغاز کند. نباید فقط به میز مونتاز و تدوین توجه کرد. قبل از هر چیزی کارگردان باید تکلیف خودش را با فیلم مشخص کند.

ضعف پژوهش در آثار امسال هم دیده می شود؟

در برخی فیلم ها بله. بگذارید با مثال توضیح دهم. گاه یک بچه با شیر مادر تغذیه و بزرگ می شود و گاه از شیر خشک استفاده می کند. بچه اول سلامت تر است. فیلمها ما به

فیلم های متنوع جشنواره ای منظم

مصطفی رزاق کریمی داور بخش مسابقه ملی، تنوع فیلم های این دوره جشنواره سینما حقیقت را قابل تامل می داند و در عین حال معتقد است ضعف پژوهش همچنان در سینمای مستند به چشم می خورد

شیمای انتظاری مقدم

shima.entezari@gmail.com

مصطفی رزاق کریمی از جمله مستندسازانی است که در سینمای حرفه ای داستانی هم فعالیت کرده و می کند اما پیراهن نیست اگر بگویم بخش عمده ای از شهرت او حاصل مستند تحسین شده «مردی برای تمام فصول» است. او امسال عضو هیات داوران بخش مسابقه ملی جشنواره سینما حقیقت است و وظیفه داوری آثار را بر عهده دارد. رزاق کریمی ترجیح داد برای پرهیز از سوء تفاهم به طور مصداقی درباره فیلم های جشنواره هشتم صحبت نکند؛ با این استدلال جالب: «هیچ فیلمی شبیه هم نیست». او درباره بحث را باز تر دید و به باید و نبایدها و مشکلات سینمای مستند اشاره کرد. رزاق کریمی این را هم ضمیمه گفته هایش کرد که در ۲۸ سال فعالیتش، فیلم دیدن و فیلم ساختن را در کنار هم قرار داده. او داوری را حکم نمی داند بلکه مجموعه ای از نظرات مختلف است که نتیجه اش انتخاب یک فیلم می شود.

شما به عنوان کارگردانی که سال گذشته توانستید با «خاطراتی برای تمام فصول» بر گزیده جشنواره سینما حقیقت، شوید قطعا معیارهایی برای داوری فیلم های مستند دارید. فیلم های ارائه شده در جشنواره هشتم تا چه اندازه منطبق با معیارهای شما بوده است؟

بیشتر معیارهای من استاندارد بودن مستند و نوع روایت آن است. فیلمهایی که می بینم باید با یک هدفی ساخته شده و کارگردان برای فیلمش فکری در سر داشته باشد. در بیشتر مواقع در سینمای مستند موضوعات و ایده ها خوب هستند ولی اصولا مشکل ساختاری در میان آثار دیده می شود. در واقع هدف نهایی برای پاسخ دادن به سوالهایی چون «چه بیننده ای»، «کجا» و «کی» وجود ندارد. این موضوعی است که باید خیلی جدی پس از جشنواره درباره آن صحبت شود. به نوعی باید مهندسی معکوس داشته باشیم و از انتها به ابتدا حرکت کنیم تا ببینیم صاحب چه دستاوردی می شویم.

جشنواره سینما حقیقت می تواند در رسیدن به این موضوع کمک کند؟

جشنواره جایگاه ویژه خود را دارد و بنا به اعتقاد من سینما حقیقت برای سینمای مستند ایران یکی از سکوی پراهمیت است. فیلم های خوبی برای ارزیابی حضور دارند و امیدوارم این ارزش های واقعی در سینما حقیقت دیده شود و در مورد آنها بحث و گفت و گو انجام شود.

بنابر این معیار شخصی شما استاندارداثر است؟

بله. اینکه اثر چه زیرساخت هایی دارد و چگونه ارائه شده است. جشنواره سینما حقیقت می تواند در این زمینه کمک کند. البته ما داوران نباید با دید شخصی به فیلم ها نگاه کنیم.

اصل مطلب

■ وظیفه تلویزیون در قبال آثار مستند

بین آثار ارائه شده چندین فیلم وجود دارد که تلویزیون به راحتی قادر به نمایش آن است؛ باید هم نمایش دهد. بخش مستند تلویزیون همین وظیفه را دارد و مردم باید ببینند مستندسازان ایرانی بر چه موضوعاتی تمرکز و کار کرده اند. از طرف دیگر این موضوع به سینما حقیقت و گسترش تجربی برمی گردد که چه ترندهایی برای تلویزیون دارند. این فیلم ها به صرف نمایش در جشنواره فایده ای ندارد چرا که صرفاً باعث خوشحالی کارگردان یا تهیه کننده آن می شود. مهم آن است که فیلمهایی که برجستگی و ویژگی هایشان مشخص است و مردم آنها را در محدوده سینما مستند دیده اند، در تلویزیون به نمایش درآید.

سینمای مستند آینده سینمای جهان

رَسُول صدر عاملی در گفت و گو با نشریه روزانه جشنواره حقیقت، مستندسازان را به صبوری و پایداری در عرصه مستندسازی دعوت می کند. عرصه ای که از نظر او مهم ترین عرصه در سینمای جهان است

محمدصادق شایسته

Mshayesteh84@gmail.com

در سینمای ایران به بسیاری از فیلم های موفق مـودرام اصطلاحاً فیلم های ژانر اجتماعی می گویند. فیلم هایی که به شدت به بطن اتفاقات جامعه نزدیک است و شخصیت های آن عموماً مابه ازاهای بیرونی دارند به همین دلیل هم این گونه از فیلمسازی شبیه ترین و نزدیک مدل به سینمای مستند است. یکی از موفق ترین فیلمسازان این عرصه رَسُول صدر عاملی است. کارگردانی که تقریباً تمام آثار کارنامه فیلمسازی اش به شکل داستانی بخشی از واقعیات روز جامعه ایران در ۳۰ سال گذشته را روایت کرده است. در «پاییزان» اپیدمی مهاجرت، در «دختری با کفش های کتانی» مشکلات دختران نوجوان تازه به بلوغ رسیده و در «من ترانه ۱۵ سال دارم» مشکل تفکر خطرناک سقط جنین به عنوان راه حلی برای عدم مسئولیت پذیری. بخشی از این نگاه مستندگونه صدر عاملی است. البته نزدیکی این کارگردان به سینمای مستند فقط شامل محتوای آثارش نیست. او علاوه بر این که خودش به عنوان عکاس و خبرنگار در بحبوه انقلاب اسلامی سهم عمده ای در مستندسازی تصویری و مکتوب حوادث آن دوران داشته چندین بار هم مستندهای متعددی در زمینه جنگ و آسیب های اجتماعی تهیه کرده است. این ها دلایل خوبی بود تا به عنوان یک مهمان به سراغ او برویم. مهمانی که اتفاقاً معتقد است جهان آینده در دست سینماگران مستند است. او معتقد است راه برای مستندسازان ایرانی سخت و دشوار است اما آن ها اگر بند کفش های آهنین خود را محکم ببندد هیچ چیز نمی تواند مانع رشد و شکوفایی شان شود حتی بزرگ ترین و سخت ترین موانع. صدر عاملی با اینکه این روزها به عنوان یکی از اعضای هیات انتخاب سی و سومین دوره جشنواره فیلم فجر ۱۲ ساعت از روز مشغول بازبینی فیلم هاست اما به محض اینکه نام فیلم مستند آمد وقت خود را برای ساعتی خالی کرد و پای گفت و گو با نشریه روزانه جشنواره نشست.

مشروح گفت و گو در صفحات ۸ و ۹



Various Films; Different Festival

Mostafa Razzagh Karimi, one of the jury members of the 'National Competition' section, explains that the variety of films in this edition of the festival seems thoughtful, although he believes the weakness in research part of documentary filmmaking is still there. He is among the filmmakers who experienced making fiction films. The most well-known, admired work of Razzagh Karimi is 'A Man for All Seasons'. "My criteria are mostly focused on the standards applied in documentaries and their narrative genres", he explains.

آن تغذیه درست قبل از بزرگ شدنشان نیاز دارند؛ تغذیه پژوهش؛ نه اینترنتی، نه آکادمی بلکه تغذیه و پژوهش برای فیلم. فیلمساز نباید با دیدن اثر باستانی به صرف احساسات از همه زوایای آن فیلم بگیرد. بلکه در راستای پژوهش به عنوان مثال فقط از ضلع جنوبی اثر باستانی که برای فیلم اهمیت دارد، فیلم تهیه کند. با این روش کارگردانی هدفمند، تولید دقیق تر و تهیه کننده تکلیفش با فیلم مشخص می شود. فیلمساز هنگامی که می خواهد ساخت مستندی را آغاز کند بایستی مخاطب و محل اکران اثرش را بداند. فرهنگ ایجادسازی مکان نمایش فیلم برای کارگردان باید تعریف شود. آن موقع قاعدتاً بحث زمان گذاشتن قبل از فیلمبرداری و نیاز به کنجکاوی نسبت به موضوع و جمع آوری اطلاعات صورت می گیرد. شاید پس از جشنواره، با برگزاری سمینارهایی در همین مسائل، رشد سینمای مستند انجام شود.

مستندهای پرتره اگر خوب پرداخت شوند مخاطبان زیادی دارند. از این منظر مستندهای جشنواره هشتم را چطور دیدید؟

موضوع پرتره به عقیده من بسیار ظریف است. شاید من شیفته یک پرتره باشم اما وقتی می خواهم آن پرتره را در قالب یک مستند به بیننده نشان دهم باید این شیفتگی را کنار بگذارم چرا که بدترین خطر برای مستند پرتره است. می توانیم نگاه احترام آمیزی به آن پرتره داشته باشیم اما در نهایت هدف ما اطلاع رسانی است. در پرتره ها بسیار احساساتی می شویم و احساسات غالباً بر موضوع غلبه می کند. آنقدر به شخصیت رنگ و لعاب می دهیم و موسیقی و صداسازی بر فیلم غالب می شود که قبل از نمایش پرتره، از احساس لبریز می شویم و دیگر تمایلی به پرتره نداریم.

این ضعف در جشنواره امسال هم وجود دارد؟

من در باره جشنواره امسال نظری نمی دهم. باید بگویم که امسال هم پرتره داریم.

آثار هنرمندان شهرستانی نیز با پایتخت نشینان برابری می کند؟

من در حال حاضر با اسم درگیر نیستم. فقط فیلم می بینم و بر آن نظر می دهم. بعدتر با کارگردان اثر آشنا می شوم.

نکته دیگر حضور پررنگ فیلمسازان زن در جشنواره امسال است. آیا آثار ارائه شده از سوی آنها قابل تامل است؟

به نظر من اینگونه نیست که بگویم که خانم ها یا آقایان برتری نسبت به یکدیگر دارند. هر دو به تساوی به سمت جلو حرکت می کنند. اصل قضیه کاوش، کنجکاوی درباره پرداخت به موضوع و ساختار فیلم است. یکی از مشکلات جدی فیلم ها روش و نگاه تدوین است. همه این روزها مونتاز بلدند و کارهای تدوین را انجام می دهند در حالی که تدوین وظایف بسیار سنگینی در سینما دارد؛ تزریق ذهنی و آماده سازی یک تفکر بر عهده تدوین است. فکر می کنم سینمای مستند ما هنوز کار بسیاری دارد تا به رشد نهایی برسد. اما در کل، موضوعات بسیار خوبی در فیلم ها دیده می شود.

Interview

No.4 - Wed, 3RD Dec - 2014

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

7

اقتصادی داشته‌اند اما انگار مستندسازان هم مثل سسینماگران داستانی در سال‌های اخیر ترس و اهمه‌ای برای پر داختن به برخی موضوعات اجتماعی پیدا کرده‌اند. به هر حال نمی‌توان منکر این شد که نگاه افراط خارج از هنر در سال‌های اخیر به آثار فیلمسازان ما بر از سوه‌نقاهم بوده‌است. به نظر تان مستندساز امروز ایران چگونه باید با این محافظه‌کاری به وجود آمده رو در رو شود بدون آن که عرصه را ترک کند؟

به نظر محافظه‌کاری که شما آن صحبت می‌کنی، پیش از آن که به دلیل ممیزی یا حساسیت در خصوص بیان یک‌سری وقایع باشد بیشتر ریشه و دغدغه‌های اقتصادی دارد. به هر حال مستندسازی هم یکی از گونه‌های پرخرج فیلمسازی است. مستندساز همیشه با خودش فکر می‌کند دارد. به هر حال مستندساز خود را در مقابل توجه و تنه‌جایی که می‌تواند مستند خود را در تلویزیون است. قضاوت عمومی قرار دهد رسانه‌ای به نام تلویزیون است. خوب تلویزیون ما هم که همیشه دولتی بوده و تنها اقدام به پخش آن دسته از آثار می‌کند که باب طبع نگاه و سلیقه رسمی در هر دوره‌ای است و باید سمت و سویی موافق با نگاه مدیران تلویزیون داشته باشد. بنابراین آن‌جا هم جای امنی برای اطمینان فیلمسازان اینگونه اثری که می‌سازد دیده می‌شود نیست. این می‌شود که مستندساز تنها نقطه اتکانش می‌شود جشنواره‌های خارجی و اصلا حضور در همین جشنواره‌ها بوده که در چند سال گذشته بازار مستندسازی را در ایران داغ کرده‌است. جب از یک نظر این مسئله یک آسیب جدی است. اگر از مدت‌ها پیش طرحی مشابه همین طرح هنر و تخریب به رکه فیلم‌ها در سسینماهای خاص و محدود اکران می‌شوند و مخاطب خود را پیدا می‌کنند، برای مستندسازان اجرا می‌شود شرایط مستندسازی و نگاه به آن در جامعه امروز ما به گونه دیگری بود. چنین طرحی باید از ۲۰ سال پیش برای سسینمای مستند به وجود می‌آمد که اگر اتفاق می‌افتاد امروز سسینمای مستند بسیار قوی‌تری داشتیم و سودمندی قدرتمندی سسینمای مستند در این است که هر چه قوی‌تر باشد سطح کلی سسینمای مستند در این است که هر چه قوی‌تر باشد همین جشنواره‌های که برگزار می‌شود و به نظر اتفاق بسیار خوبی است؛ زمانی که برزندگانش را معرفی می‌کند چه اتفاقی برای آن‌ها می‌افتد؟ هزینه‌هایی که یک مستندساز مستقل کرده از کجا برگرفته می‌شود؟ بنابراین اگر برای مستندسازان ما در یک جاهایی بازارگردگی به وجود آمده اول به دلیل اقتصادی بوده بعد به دلیل پرداختن به مضامینی خاص. و مطمئن باشمید اگر زیرساخت‌های درستی در زمینه رفیع دغدغه‌های اقتصادی و دیده شدن فیلم‌ها که یکی از مهم‌ترین دلایل برای داشتن انگیزه فیلمسازی است) انجام داده بودیم شرايط سسینمای مستند امروز به گونه‌ای بود که شاید از این جنس مباحث اصلا در آن مطرح نمی‌شد.

این بحثی که شما کرده‌اید کاملاً درست و به جا ولی چند وقت پیش خود تان هم در مناظره‌ای که با یکی از نمایندگان مجلس دانشتید موضع برخی سیاستمداران در قبال بحث‌های جدی اجتماعی را دیدید، بحث‌هایی که این روزها با نام سیاه‌نامه‌ی مطرح است. جب در این حالت وضعیت یک مستندساز که هر چه می‌سازد نه

حامد خورشیدی انشریه روزانه



Feature of World Cinema

Rasul Sadr Ameli is an Iranian film director, screenwriter and film producer. He won an award for the Best Director as well as the Best Script (as the co-writer) at the 20th Fajr International Film Festival for 'Am Taraneh, Fifteen Years Old'. Also, his film 'Every Night of Solitude' won an award in the Chicago film festival. In an exclusive interview, Sadr Ameli invites the documentary filmmakers to patience and fortitude in the field that is the most leading one in the world cinema in his view. In years leading to the Islamic Revolution of Iran, he experienced sort of documentary recording by entering into the field of photography and then he became a social filmmaker whose works are a mixture of documentary and fiction movies. "Many years before I started working as filmmaker, I had been a journalist and reporting news means that you must tell everything you see based on valid document and reliable news".

گفت‌وگوی ویژه

۲

حقیقت

نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران

بر اساس واقعیت که خود واقعیت است در مقابل این جنس تفکر خیالی متزلزل و گاهی ممکن است در دسر آفرین باشد.

خب مسئله من این است که بحث داستانی و مستند نیست این اتهام از پیشه غلط و اشتباه است. وظیفه مستندساز باز کردن حواصت و واقعی است که در اطرافش رخ می دهد و نظر و تمرکز او را به خودش جلب می کند و دفعه های می شود و قطعا این موضوعات چه تلخ و گریزه و چه شیرین باید بازگو شود چون حقایق جامعه هستند. اما مناسقاته افرازی هستند که کلا با سینما مقوله نمایش و حتی گاهی موسیقی و ادبیات و شعر خیلی سختی ندارد و تمام دهشتان از دهه ۶۰ ایدئولوژیک باز آمده است در این حالات خیلی طبیعی است که بسیاری از موضوعاتی که یک مستندساز به آن می پردازد با برچسب سیاه نمایی مواجه شود. اما سیاه نمایی یک واژه ابتدایی است و اصلا چنین مفهومی در فیلمسازی معنی ندارد. با فیلمساز کارش را به درستی انجام می دهد که قطعا مخاطب متوجه خواهد شد که او در بیان حقایق جامعه اش را مستقیم و صادق است و با نیت خیر به بیان موضوعات جامعه اش در هر سطحی پرداخته که در این صورت از آن کار استقبال می کند و یا عکس آن را رخ می کشد و به این نتیجه می رسد که فیلمساز در کارش غل و عشق و مروضی داشته که خوب در این حالت نه تنها استقبال از کار نمی کند که حتی آن را پس می زند. از ماندگاری سینما هم در همین نکته است. زمانی می توانی این موضوع را درک کنی که سینما را دوست داشته باشی. فیلم دیدن را دوست داشته باشی ولی غیر از این باشد نمی توانی به درک درستی از سینما و اتفاقاتی که در آن می افتد برسیم. در این حالت است که نمی توانی به سینماگر اعتماد کنی تا بخواهد کارش را انجام دهد. همیشه ناشناخته هاست که در انسان ترس به وجود می آورد و قطعا سینماگر اعتماد کنی تا بخواهد کارش را انجام دهد. همیشه در آن می افتد برسیم. در این حالت است که نمی توانی به سینماگر اعتماد کنی تا بخواهد کارش را انجام دهد. همیشه آن ها که از جهان هنر و زیبایی هایش شناختی ندارند از هر چیزی که در این حیطه باشد می ترسند و به هر بهانه ای جلوی سینما می گیرند.



که موضوع در اولویت دوم قرار می گیرد؟ یعنی یک موضوع بسیار مهم برای ساخت یک مستند نمی تواند تضمینی برای توجه به آن باشد؟

و

اعتقاد دارم رونق سینمایی آینده ایران به شملت وابسته به رشد و شکوفایی سینمایی مستند است. چند سالی است به قطعیت به این نتیجه رسیدم که در این زمینه به مقایسه و اینکه بگیریم چه چیزی فزونی با بهتر است اعتقاد ندارم. اینجا بحث آمیختگی هنر و رسانه است. مثلا شما الان با من گفت و گو می کنی و سوال های خودت را می پرسی، سوالات از ذهن، زاویه نگاه و سلیقه ای که داری نشات می گیرد، سوالات شما به حرف های من که می تواند مستند باشد. خجسته ای وارد نمی کند اما در نهایت این می شود مصاحبه شما اگر یک نفر دیگر با من مصاحبه کند سوالات دیگری را مطرح می کند و من را به سمت پاسخ های دیگری می کشاند. این سوال را زم تراحت تر به این نکته برسیم که مهم است سلیقه آدمی که واقعا می باشد و مضطرب بعد برای تحویل دادن به مخاطب آن را آماده می کند. آمیخته شدن سلیقه مستندساز در انتخاب موضوع نوع پرداخت به آن است که عیل مستندساز را برای مخاطب تعیین می کند و اصلا همین سلیقه است که باعث می شود شما مخاطب خاص خود را پیدا کنید و بالعکس.

سپاری از مستندسازان ما به وقایع اجتماعی و حتی التهابات روز جامعه شان علاقه زیادی دارند. در سال های اخیر هم اتفاقات اجتماعی می شماری در جامعه ایران رخ داده است که رنگ و بوی سیاسی -

که میل به ثبت وقایع و اتفاقات در قالب های مختلف همیشه وجود داشته، شما حتی می توانید برای درک اهمیت ذات مستند به قوله خاطر ونوبسی هم توجه کنید. مهم ترین و جذاب ترین کتاب های همه جوامع خاطر نگاری های آدم هاست. زمانی که آدم ها از نگاه و زاویه دید خودشان وقایع زندگی و اطرافشان را روایت می کنند، روایت هایی که هم جذاب است، هم آموزنده، هم آموزش دهنده و هم به نوعی سند های مهم برای روایت تاریخ هر کشور در مقاطع گوناگون است و اگر وقت کنید جوامعی که به این مقوله پیش از بقیه توجه دارند پیشرفته تر و داناتر هستند. جوامع پیشرفته یک آهنگر، نجار و حتی کارمند موفق هم خاطر انگارشی را می نویسد و حتما لازم نیست یک سیاستمدار، هنرمند، شخصیت علمی یا مغز اقتصادی باشد که بخواند دست به قلم برد و اتفاقات زندگی را ثبت کند.

شما معتقدید هر چه مستندسازی در هر کدام از اعلاش در یک جامعه بیشتر باشد آن جامعه پیشرفته تر است؟

دقیقا وقتی یک آدم موفق وقایع زندگی اش را ثبت می کند یا توسط دیگران واقع به ثبت می رسد دیده یا خوانده می شود همه اعضای جامعه می توانند در عین لذت بردن از آن جنبه های مختلفش را در زندگی خود به کار بگیرند تا موفق باشند در این حالات است که حتی روایت یک کشاورز موفق از زندگی اش هم مهم می شود، چه برای یک همکار و عادی، چه برای یک جامعه شناس. و چه برای یک همکار و هم صفت. باین تعریف فکر می کنم نیاز به توضیح بیشتری نباشد که سینمای مستند از چه اهمیتی برخوردار است. اینجا است که باید جوامع حواسشان باشد که قدر و منزلت مستندسازی به هر شکلی را بدانند و توجه به آن را به یک فرهنگ عامه تبدیل کنند.

سینما مستند، مهم ترین گونه فعلی

من به شدت اعتقاد دارم رونق سینمای آینده ایران به شدت وابسته به رشد و شکوفایی سینمای مستند است. چند سالی است به قطعیت به این نتیجه رسیدم که در این زمینه به مقایسه و اینکه بگیریم چه چیزی فزونی با بهتر است اعتقاد ندارم. اینجا بحث آمیختگی هنر و رسانه است. مثلا شما الان با من گفت و گو می کنی و سوال های خودت را می پرسی، سوالات از ذهن، زاویه نگاه و سلیقه ای که داری نشات می گیرد، سوالات شما به حرف های من که می تواند مستند باشد. خجسته ای وارد نمی کند اما در نهایت این می شود مصاحبه شما اگر یک نفر دیگر با من مصاحبه کند سوالات دیگری را مطرح می کند و من را به سمت پاسخ های دیگری می کشاند. این سوال را تراحت تر به این نکته برسیم که مهم است سلیقه آدمی که واقعا می باشد و مضطرب بعد برای تحویل دادن به مخاطب آن را آماده می کند. آمیخته شدن سلیقه مستندساز در انتخاب موضوع نوع پرداخت به آن است که عیل مستندساز را برای مخاطب تعیین می کند و اصلا همین سلیقه است که باعث می شود شما مخاطب خاص خود را پیدا کنید و بالعکس.



ایران نیست شما به بهترین و تاثیرگذارترین آثار سینمایی چند سال اخیر جهان نگاه کنید می بینید تمام آن ها کم و زیاد نشده در آثار و اتفاقات مستند دارد. سینمای مستند سینمایی بسیار قدرتمند است که تازه دارد به سینمای اصلی خود وارد می شود. مسیری که آن را از یک سینمای ایزوله و باخاطبانی کمالاتی می شود و مطمئن باشید همین الان یک تبدیل به سینمای همگانی می شود و مطمئن باشید همین الان یک مستند جذاب و خوب باثبات و پیشرو از یک فیلم صرفا داستانی می تواند مخاطب جذب کند. به همین دلیل است که می گویم استقبال عمومی سینمای جهان در آینده متعلق به سینمای مستند است.

در سال های که منتهی به انقلاب اسلامی شد شما با حضور در عرصه عکاسی گونه ای از سینما را تجربه کرده اید. بعد از آن هم که تبدیل به یک فیلمساز اجتماعی شدید که بر رابطه ترین ژانر سینمای داستانی با سینمای مستند است. شما چه تعریفی از سینمای مستند می دهید. تعریفی که بتواند با آنکا بر آن اهمیت این گونه از فیلمسازی را هم نشان داد.

سال ها پیش از اینکه فیلمساز شوم خیرنگار بودم و کار خیر یعنی باید هر آن چه می بینی را با سبند و مدرک به مخاطب برسانی بعد باید امیدوار باشی چیزی که می بینی پیدا کند. یعنی ابتدا اصل سبند را ارائه و بعد در کنار آن زاویه نگاه خود را به آن سبند اضافه کرده ام تا مخاطب به خوبی بتواند زاویه نگاه من از اصل ماجرا تشخیص دهد. همین نگاه را وقتی تعمیم دهید می شود سینمای مستند. به نظر من سینمای مستند بر گردان عین به عین واقعیت نیست. شما دوربین دارید، دوربین شما نیز دارد، وقتی زاویه دوربین را انتخاب می کنید یعنی مشخص می کنید که می خواهید از کدام زاویه به موضوع نگاه کنید. مثلا یک اتفاقی در میدان هفت تیر رخ دهد اگر دوربینتان را شمال میدان بگذارید یک جور ماجرا می بینید و اگر در شرق، جنوب غرب یا هر زاویه دیگری دوربین را بگذارید مشکل متفاوتی از به تصویر کشیدن یک ماجرا واحد را در اختیار دارید. اینجا اصل ماجرا یکی است ولی آن چیزی که به مخاطب ارائه می کنید بستگی به زاویه نگاه شما دارد.

حالا وقتی این نگاه از هر زاویه ای با بیانی شناسی و هنر فیلمسازی آمیخته شود آن وقت می شود کلیتی از یک فیلم مستند. خوب طبیعی است که شما سلیقه دارید، سلیقه فیلمساز (که شاید بهترین تعبیر برای بحث زیبایی شناسی باشد) در استفاده از ابزار و زاویه نگاهش به موضوع مهم ترین عاملی است که در نهایت باعث می شود یک فیلم مستند خوب، متوسط یا ضعیف ساخته شود. به نظرم همه قواعد سینمای مستند به طور کلی در همین چند جمله ای که گفتم خلاصه می شود اما اهمیت مستند به دلیل این است

خستگی ناپذیری شرط موفقیت



الان روزهای خوبی در سینما برای جوان ها وجود دارد. مجال سینماگران از بعد از انقلاب و در دهه ۶۰ تا شریط بسیار بیشتر از روزهای فعلی بوده، گاش بسیاری از جوان ها می دانستند که ما در سال های دهه ۶۰ برای ساخت و نمایش هر فیلمی چه سختی و مرازتی را تحمل می کردیم ولی بحث اینجاست که فیلمساز مثل هر هنرمند دیگری اعم از شاعر و نویسند و نقاش دوست دارد که کارش دیده شود، پررنگ شود، از بانی شود. هنر مند دوست دارد هنر مند شود. اصلا تشویق شدن توسط مخاطب نیاز و خوراک اصلی هنر مند است اما کار زمانی برای هنر مند سخت می شود که یک عده از او برسند و با خود هندی این زنجیره را قطع کنند. زمانی که یک عده سعی می کنند رابطه بین هنر مند جامعه اش را قطع کنند تا هنر مند دیده نشود و در این حالت هیچ جایز نیست چرا این که هنر مند با ملایمت تلاش و خستگی ناپذیری کاری کند که مثل همیشه هنر راه خودش را باز کند و قطع به یقین بداند همه این موانع جلوی راه هنر و هنر مند کاند و زود گذر است.

■ نام فیلم: پیرمرد و بازار
 ■ کارگردان: عزت‌الله پروازه
 ■ درباره فیلم: پیرمرد و بازار روایت پیرمرد ۹۰ ساله‌ای به نام شایگان است که سال‌هاست در بازار اصفهان، عتیقه‌فروشی می‌کند. در این مستند پرتنه به زندگی پیرمرد و تلاش‌های او در بازار پرداخته شده است. در پایان فیلم هم نشان داده می‌شود که همسر شایگان فلج است و با وجود اینکه از نظر معیشتی مشکل مالی ندارد اما به عشق همسرش این کار را می‌کند.



روزگار مرد سالخورده

عزت‌الله پروازه از چگونگی ساخت پیرمرد و بازار می‌گوید

پیرمرد و بازار بخشی از یک مجموعه درباره فرهنگ بازار اصفهان است. این مستند نیز قرار است به فرهنگ بازار بپردازد که من این کار را از طریق یک پیرمرد ۹۰ ساله به نام شایگان انجام دادم. در این مستند تلاش این پیرمرد را نشان می‌دهم که هر روز به بازار می‌آید و بساط خود را که شامل یک گونی یک در یک است پهن می‌کند و اشیای عتیقه‌اش را بر روی آن می‌چیند. با وجود اینکه از نظر معیشتی در وضعیت بدی قرار ندارد به خاطر عشق به کارش هر روز سر کار می‌آید. در وسایلی که برای فروش به بازار می‌آورد یک نعل اسب بیشتر از همه اشیای به چشم می‌خورد. بخشی از این فیلم مربوط می‌شود به توریستی ایتالیایی که از پیرمرد درباره یک نعل اسب می‌پرسد. او هم می‌گوید برای چشم نظر است. برای این توریست جالب است که نعل اسب نیز در اروپا به معنی خوش‌سناسی است و این نزدیک بودن فرهنگ‌ها برایش جالب است. این فیلم ۲۹ دقیقه‌ای که سه ماه کار مونتاز آن طول کشید حول محور فعالیت‌های این پیرمرد، سنت‌ها و مرور خاطرات او می‌گذرد. او وقتی وارد قهوه‌خانه می‌شود به مرور خاطرات گذشته‌اش می‌پردازد؛ اینکه قبلاً به زور خانه می‌رفته و برای خودش پهلوانی بوده و... برای اینکه بتوانم این پیرمرد را راضی کنم تا جلوی دوربین بیاید بسیار سختی کشیدم و زمان زیادی صرف کردم تا توانستم با او ارتباط برقرار کنم.

مستند اصفهان



درباره آدم‌ها قضاوت نمی‌کنم، مستند می‌سازم

مهدی گنجی که به موضوع آدم‌های خاص علاقه دارد، در تازه‌ترین مستند خود - من می‌خوام شاه بشم - به سراغ یکی دیگر از همین آدم‌ها رفته؛ مردی که از کودکی رویای شاه‌شدن داشته اما امروز در صنعت تورسیم یکی از مشهورترین‌های دنیاست

احمد رضا حجازی زاده
 am.mehr289@gmail.com

از انواع جذاب و فراگیر مستندسازی، ساخت آثاری با موضوع انسان‌هاست. بسیاری از مستندسازان در این حیطه فیلم‌های خوب و مهمی ساخته‌اند. شاید بتوان گفت انسان از معدود سوژه‌هایی است که هرگز کهنه و تمام نمی‌شود و می‌توان همیشه درباره شخصیت‌ها و اندیشه‌های متنوع آن فیلم ساخت. مهدی گنجی از مستندسازی است که میان انسان‌ها، به آنهایی که ویژگی‌های منحصر به فرد دارند، علاقه‌مند است. او که از سال ۸۰ به مستندسازی مشغول است، تاکنون فیلم‌های متعددی را با محوریت اشخاصی کارگردانی کرده که به نحوی بر زندگی خود یا اطرافیان‌شان تاثیر گذار بوده‌اند... با مهدی گنجی در مورد حال و هوای فیلمش و چگونگی شکل‌گیری و تولید آن گپ زده‌ایم.

فیلم‌تان هم نام جالبی دارد، هم سوژه جذابی. این آدم را چطور پیدا کردید و چه شد که تصمیم گرفتید درباره او فیلم بسازید؟

من چهار یا پنج سال است که مستندهای پرسوناژ محور می‌سازم درباره افرادی که آدم‌های خاصی هستند. البته هیچ‌کدام‌شان آدم‌های چهره و مشهوری نیستند. آنها آدم‌های معمولی جامعه‌ها و طبقه متوسطند که موفق شده‌اند با سعی و تلاش خودشان، طبقه اجتماعی‌شان را تغییر داده‌اند. این‌گونه آدم‌ها یا کارآفرین هستند یا روی اطرافیان‌شان تاثیر گذاشته‌اند. چنین سوژه‌های خیلی مورد علاقه من هستند و تا به حال چند فیلم درباره این قبیل آدم‌ها ساخته‌ام. ما یک تیم تحقیقاتی داریم که می‌گردیم و این آدم‌ها را پیدا می‌کنیم. عباس برزگر هم که سوژه فیلم «من می‌خوام شاه بشم» است، یکی از همین سوژه‌ها بود که در نخستین دیدار خیلی برای من جالب بود. وقتی جلوتر رفتیم و با او برخورد بیشتری داشتم، متوجه شدم این آدم جالب‌تر از آنی است که فکر می‌کردم.

خودش هم خیلی همراه بود و کمک می‌کرد. او هیچ تصویری از فیلمسازی و سینما داشت؟ واکنشش نسبت به علاقه شما برای ساخت مستندی درباره او چه بود؟

از قضا تصور خیلی خوب و درستی از سینما داشت. عباس برزگر آدم بسیار باهوشی است. ۲۸ کشور دنیا را گشته است. با آنکه چندان سواد هم ندارد. به همین دلیل، می‌داند که تبلیغات یعنی چه و رسانه چه تاثیری می‌تواند برای او داشته باشد. پیش از این، شبکه‌های خارجی دنیا از کشورهایی مانند فرانسه، استرالیا و آلمان چند گزارش کوتاه در حدود چهار تا پنج دقیقه از او تهیه کرده‌اند. من تمام تلاشم را کردم که فیلم را وارد بعدهای جدیدتری بکنم. از این رو تصویربرداری فیلم، سه سال طول کشید.

در فیلم‌تان از آن گزارش‌هایی که درباره ایشان تهیه شده بود، استفاده کردید؟ از آن گزارش‌ها، ولی قرار بود از فیلم‌های تبلیغاتی که

■ نام فیلم: زنگار

■ کارگردان: داریوش نیکبخت

■ درباره فیلم: داریوش نیکبخت کارگردان مستند زنگار که بیشتر ساخته‌هایش درباره صنایع دستی فراموش شده هستند بار دیگر به موضوع صنایع دستی پرداخته و اینبار به قفل‌های چالستر توجه کرده است. نیکبخت مجموعه‌ای ۱۳ قسمتی درباره صنایع دستی کشور ساخته که چون قفل چالستر برایش جذابیت بیشتری داشته آن را در قالب مستندی مجزا آماده کرده است.



زنگار فراموشی

روایت داریوش نیکبخت از مستند زنگار

زنگار حکایت ساخت قفل چالستر است. قفل‌هایی که از روزگاران قدیم در ایران به شکل‌های زیبا ساخته می‌شده اما امروزه به ورطه فراموشی سپرده شده است. قفل‌هایی که شاید امروز کمتر کسی نه تنها نام آن را بلکه شکل ظاهری‌اش را به خاطر داشته باشد. نام فیلم را زنگار گذاشتم به خاطر گرد و خاکی که بر روی این صنعت نشسته است و دارد به دست فراموشی سپرده می‌شود. خواستم با این اسم خطر فراموشی این صنعت را متذکر شوم. شاید برای شما هم جالب باشد که بدانید قفل‌سازی در چالستر قدمتی ۳۰۰ ساله دارد و اولین استاد این هنر در آنجا «حاج عبدالوهاب ریاحی» نام داشته. قفل‌های عرضه شده توسط این استاد به قفل‌های حاج عبداللہی معروف بود که ظرافت و زیبایی خاصی در آن دیده می‌شد. نفیس‌ترین اثر استاد «حاج عبدالوهاب ریاحی» قفل بزرگی است که چهار کیلو و نیم وزن دارد و در سفر او به خانه خدا به این مکان مقدس اهدا شد. هر کدام از این قفل‌ها با احتساب کلید معمولاً از ۲۳ قطعه بر خوردار بود که ساخت هر یک از آن‌ها دو تا سه روز طول می‌کشید. از مشکلات عمده قفل‌سازی می‌توان به کمبود مواد اولیه و گرانی ابزار کار و عدم حمایت و نبود بازار فروش اشاره کرد. اتفاقاتی که در این سالیان نه تنها گریبان قفل‌سازی سنتی کشور را گرفته بلکه برای سایر صنایع دستی و هنری کشور نیز باید نگران باشیم که در حال فراموشی هستند. در این مستند تلاش کردم تصویری از این صنعت قدیمی کشور نشان بدهم. امیدوارم تلاش من و همکاران نتیجه‌بخش باشد و مسئولان محترم گوشه چشمی به این صنعت داشته باشند. همه تلاش‌مان را کردیم که مستندی جذاب برای مخاطبان آماده کنیم تا ضمن لذت از ساختار فیلم درباره محتوا هم تأمل کند و به بخشی از فرهنگ مرز و بومش پی ببرد. مرز و بوم ما پر است از این ناشناخته‌ها فقط کافی است گرد فراموشی را کنار بزنیم.

I Don't Judge People!

Mehdi Ganji, Iranian documentary filmmaker, who is interested in the subject of special people, portrays one of them once again in his recent documentary, 'I Want to Be a King'. This film tells the story of a man who has had the dream of becoming a king since his childhood, while today he is one of the most famous persons in the tourism industry. Making documentary films on the subject of people's lives is one of the most interesting, universal kinds of this field. "It's been four or five years since I started making personage-centered documentaries about people who are special individuals, but none of them are among famous and well-known figures. They are ordinary people who come from the middle-class families and have managed to become successful only through their own effort. Such people are either entrepreneur or influenced the others around themselves", Ganji says in an exclusive interview with the daily magazine of the festival.



جنبه طنز داشته باشد. آیا تماشاگر هنگام دیدن این مستند با لحظه‌ها و رویدادهای طنز روبه‌رو می‌شود؟

بله، فیلم می‌تواند جنبه هم طنز هم داشته باشد. در حقیقت روند فیلم به این صورت است که تا دقیقه ۲۵ فیلم، تماشاگر می‌خندد اما پس از این زمان، دیگر تماشاگر نمی‌خندد.

چرا؟ چه اتفاقی می‌افتد که خنده‌های تماشاگر متوقف می‌شود؟

روند فیلم به این صورت است. چون ما به صورت مشاهده‌ای کار می‌کنیم، ناگهان وارد یک خانواده‌ای می‌شویم و با آنها آشنایی پیدا می‌کنیم، سپس کم‌کم به لایه‌های زیرین شخصیت‌های فیلم می‌رویم. وقتی وارد این بخش می‌شویم، می‌بینیم با آن لایه قبلی تفاوت‌هایی وجود دارد. درست مانند همه‌ما که روابط ظاهری ما یک جور است اما وقتی روابط شما عمق بیشتری پیدا می‌کند، به چیزهایی عجیب یا عمیق‌تری بر می‌خورید. به همین دلیل، زمانی که وارد آن عمق شده‌اید، یک جاهایی دیگر خنده ندارد. تماشاگر شاید بیشتر به خودش فکر کند. تلاشم این بوده در فیلم قضاوت نکنم. من تکلیفم با فیلم روشن است. در این مستند نمی‌خواهم آدم‌ها را قضاوت کنم. آدم‌ها هم خوبند، هم بدند. یک بخش‌هایی از شخصیت آنها در موقعیت‌هایی می‌تواند خیلی جذاب باشد و همان بخش، در موقعیت دیگری می‌تواند خیلی بد باشد. من فقط سعی کردم تصویرش کنم. دوست دارم در نهایت وقتی فیلم تمام شد، بیننده فقط فکر کند که آدمیزاد ممکن است چه شکل‌های متفاوتی داشته باشد. آدم می‌تواند برای رسیدن به رویاهاش، به هر چه‌کت‌هایی دست بزند. آیا آن رویا مهم است یا نیست؟ اگر هست، ما تا کجا باید برای آن تلاش کنیم؟

مخاطبان فیلم را کدام دسته از تماشاگران می‌دانید؟ آیا تماشاگر عام هم از فیلم شما لذت می‌برد؟

من تمام تلاشم را می‌کنم که برای مخاطب عام فیلم بسازم اما به نظر من فیلمی خوب است که مخاطبی مانند مادر من که خیلی با سینما آشنا نیست، از فیلم لذت ببرد و همین‌طور آدم‌های دیگر از حیطه‌های مختلف مانند گروه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی، فلسفه، اخلاق سیاسی و غیره، وقتی پای فیلم می‌نشینند، آنها هم بتوانند فیلم را تحلیل کنند، یعنی هم مخاطب عام از آن لذت ببرد و هم افرادی که متخصصان رشته‌های دیگرند. تلاش کرده‌ام مستند این‌گونه باشد. نمی‌دانم چقدر موفق بوده‌ام.

خودش برای خودش ساخته بود، استفاده کنیم. حتی بنا بود آنها را در راف کات‌های فیلم هم بگذاریم، اما چون فیلم ما را طولانی‌تر از این می‌کرد که هست، کنارشان گذاشتیم. با استفاده از آن تصاویر فیلم ما به زمانی بالای دو ساعت می‌رسید. الان فیلم ۷۰ دقیقه است. من با این زمان فیلم شوخی ندارم. برای من مهم است که تماشاگر خسته نشود.

در زمان پژوهش فیلم روی چه موضوع‌های متمرکز بودید و تحقیق می‌کردید؟

تحقیق برای من با آنچه اکنون در سینما مصطلح شده، کمی متفاوت است. زمانی هست که شما یک موضوع دارید و می‌روید درباره آن تحقیق کتابخانه‌ای می‌کنید، بعد هم تحقیق میدانی و در نهایت فیلم را می‌سازید، ولی وقت دیگری شما یک موضوع در طول زندگی‌تان دارید. شما در یک پروسه طولانی مدام درباره او اطلاعات جمع می‌کنید. من در مورد زندگی آن آدم‌ها و اینکه چطور می‌توانند در جهان اطرافشان تأثیر گذار باشند، سال‌ها کتاب خواندم و تحقیق‌های گسترده‌تری انجام داده‌ام.

چه مدتی است که آقای برزگر در این رویا سیر می‌کند و به دنبال ملکه‌اش می‌گردد؟

بهتر است زمان این ماجرا را فاش نکنم اما این ایده که نخستین ایل آریایی ایران را تاسیس کند، به مرور برای او پیش آمده. با این حال، عباس برزگر یکی از مشهورترین افرادی است که توریسست‌های خارجی او را در ایران در حوزه اکوتوریسم می‌شناسند. نام او در کتاب مربوط به گردشگری ایران هست که اشاره شده اگر می‌خواهید زندگی عشایر را در منطقه بمانات فارس ببینید، به عباس برزگر رجوع کنید. امکاناتی هم فراهم کرده که از آنها استفاده می‌کند. غیر از این، برزگر ۱۴ یا ۱۵ سال است خودش و خانواده‌اش خیلی سخت کار می‌کنند.

در ساختار و روایت فیلم از چه فرمتی استفاده شده؟ مستند شما یک اثر گفت‌وگو محور است یا براساس روایت متن؟

ساختار فیلم، یک ساختار مشاهده‌گر است؛ اما من به ساختار مشاهده‌گر صرف اعتقاد ندارم و به نظر من این ساختار خیلی واقعی نیست. مستند «من می‌خوام...» مشاهده‌گر است، ولی یک جاهایی هم خودم وارد می‌شوم و تماشاگر صدای من را می‌شنود. با این وجود، استایل کلی فیلم، مشاهده‌گر است.

تصور یا رویای عباس برزگر از شاه‌شدن - دست‌کم در شرایط فعلی کشور ماسمی می‌تواند کمی

نام فیلم: من نوازنده ام
کارگردان: نرگس فلاح پسند
درباره فیلم: «من نوازنده ام» داستان یک نوازنده است که ساز زدن را خیلی دوست دارد. او در اثر ماجرای ناچار است کمی از این علاقه خود فاصله بگیرد و این فاصله در او ترس و نگرانی‌هایی را از آینده ایجاد می‌کند. این مستند بیانگر دغدغه نوازنده‌ای است که به دلیل بیماری یک هفته مانده به اجرای کنسرت نمی‌تواند گروه خود را همراهی کند.



من، ساز و یک نگرانی

فلاح پسند «من یک نوازنده ام» را بر اساس زندگی خودش ساخته

من یک نوازنده ام. از بچگی ویولن سل می‌زدم و ساز زدن را خیلی دوست داشتم و دارم. طبعاً بسیاری از خاطراتم با ساز آمیخته است. خاطره‌های بسیاری با آن برایم شکل گرفته؛ تلخ و شیرین. مدتی پیش اما به دلیل یک بیماری، متوجه شدم که باید اندکی از ساز زدن فاصله بگیرم. طبیعی است که حالم با شنیدن این خبر دگرگون شود. از لحظه‌ای که این موضوع را متوجه شدم، یک ترس و نگرانی خاصی در من شکل گرفته است. نگرانم که باید از علاقه همیشگی‌ام فاصله بگیرم... «من نوازنده ام» را با توجه به همین حس و حال درباره خودم ساختم. داستان مستند درباره گروه موسیقی خودمان است که در فیلم، سه هفته دیگر کنسرت دارد و من می‌ترسم که نتوانم گروه را در این اجرا همراهی کنم. اما سعی می‌کنم که این اتفاق نیفتد و بتوانم همراه گروه باشم. من عاشق ساز و موسیقی هستم و چیزی که در فیلم هم روایت می‌کنم همین علاقه است. یک معلم ساز دارم که از بچگی با او بزرگ شده‌ام. او عاشق سینما بود و آرشویی از فیلم داشت. بسیاری از فیلم‌های کلاسیک را به من داده بود که ببینم. از بچگی دلم می‌خواست فیلمساز هم بشوم اما معلمم از این کار منع کرد که بالاخره «یا باید آدم فیلم بسازد، یا ساز بزند». پس زندگی‌ام با ساز و موسیقی عجین شد و حالا تصور جدایی از این علاقه برایم دشوار است. نمی‌گویم نگرانی و ترس با ساختن من نوازنده‌ام از بین رفت اما چون به ماجرا زیاد فکر کردم و شناختمش، فکر می‌کنم دیگر راحت‌تر می‌توانم با آن کنار بیایم. با توجه به حس و حال درونی خودم که به فیلم تزریق شده احتمالاً مخاطبان هم با آن ارتباط برقرار می‌کنند و می‌توانند در این تجربه شریک باشند. امیدوارم فیلم مورد پسند کسانی که آن را می‌بینند قرار گیرد.

مستند کوتاه



دغدغه یک نسل

عباس عمرانی که در مستند «پارکینگ» سرگذشت پیرمردی بازمانده از حصر خرمشهر را سوژه فیلمش قرار داده از انگیزه ساخت و ویژگی‌های فیلمش گفته است

زهره عباسی
abbasi2222@gmail.com

نگاه نسلی که تجربه مستقیمی از جنگ تحمیلی نداشته‌اند، همیشه جالب و کنجکاوی برانگیز بوده. نسلی که گرچه تجربه‌ای از این رویداد نداشته‌اند اما تاثیر آن را بر زندگی و دنیای خود دیده و لمس کرده است. عباس عمرانی بیدی با همین نگرش تصمیم به ساخت مستند «پارکینگ» گرفت. این فیلم داستان زندگی «قاسم» است که پس از گذشت سال‌های زیادی از عمرش در یک پارکینگ نگهداری می‌دهد و خاطرات خود را در این مکان زنده کرده است.

داده‌اید؟

من خیلی سعی کردم به خود «قاسم» نزدیک شوم و در زمان ساخت فیلم فکر می‌کردم طرز فکر شاعرانه او را چطور می‌توانم منتقل کنم. او روی همه ماشین‌هایی که در پارکینگ دارد اسم دوستان شهیدش را گذاشته و هر از گاهی در یکی از آن‌ها می‌نشیند و یاد دوستش در دلد می‌کند. و در نهایت تأثیری که من از او گرفتم، ایستادگی‌اش پس از این همه سال و با وجود همه مشکلات بود و همه سعی‌ام را کردم که این وجه شخصیت او را نشان دهم. این تاثیر به اندازه‌ای بود که شاید روزی درباره او فیلم بلند بسازم.

فرم روایت فیلم چگونه است؟

من از «قاسم» یک مستند داستانی روایت کردم که تخیل شاعرانه خودم نیز اندکی در آن دخیل است تا وقتی مخاطب کار را می‌بیند لذت ببرد.

از ایده اولیه ساخت فیلم بگوئید.

من علاقه زیادی به ساخت یک اثر با موضوع دفاع مقدس داشتم و همیشه به این فکر می‌کردم که چطور می‌شود با گذشت این همه سال و در این دوره و زمانه روی این موضوع کار کرد. با همین تامل‌ها بود که احساس کردم در زمینه خرمشهر فیلم کمی تولید شده است و در نهایت به این نتیجه رسیدم که در این باره یک کار بسازم.

چطور به «پارکینگ» رسیدید؟

یکی از دوستانم به من اطلاع داد که پیرمردی بازمانده از جریان حصر خرمشهر در پارکینگ یک ساختمان به عنوان نگهبان مشغول به کار است و با توجه به علاقه شخصی‌ام در این باره تصمیم گرفتم فیلم «قاسم» را بسازم.

«قاسم» موافق بود فیلمش را بسازید؟

ابتدا با او در این باره صحبت کردیم و با دوربین و فیلمبرداری مخالف بود اما در ادامه با توجه به آشنایی بیشتر با ما به این کار رضایت داد.

چرا دفاع مقدس؟ تجربه مستقیم از آن داشتید؟

من متولد ۶۲ هستم و ابتدای جنگ به دنیا آمدم و تجربه مستقیم از آن نداشتم. اما سینمای دفاع مقدس را دوست دارم؛ یعنی به صورت کلی هر جریانی که به دفاع وطنی بیانجامد از نظر من ارزشمند است که امروز هم نمونه‌های آن را در غزه، مقابله مردم سوریه با داعش و یا مهم‌تر از آنها جنگ هشت ساله عراق علیه ایران دیدیم.

با توجه به پیش زمینه ذهنی، به عنوان فردی که تجربه مستقیمی از جنگ نداشتید، مواجهه‌تان با «قاسم» چگونه بود؟

شخصیت «قاسم» یک شخصیت تنها و منزوی است که با وجود گذشت سال‌ها از جنگ و وجود مشکلات بسیاری که در زندگی از سر گذرانده روی یک ایده پابرجاست؛ «دفاع از وطن». او معتقد است در هر شرایطی جلوی هر کسی که کوچک‌ترین قصدی علیه خاکمان داشته باشد، باید ایستاد. این ایده او برای من مهم‌ترین مسئله در این مواجهه بود. به اعتقاد من او شخصیتی است که انگیزه دارد. در فضای پارکینگ که کار می‌کند، با نقاشی‌هایش فضای نوستالژیکی ایجاد کرده و گذشته‌اش را مدام تداعی می‌کند.

در فیلمتان کدام جنبه شخصیت او را نشان

A Generation's Concern

Abbas Omrani Bidi portrays the life of an old man who survived the Battle of Khorramshahr. Omrani comes from a generation who did not experience the war. That's why the view of this generation toward war has always been interesting. This short documentary film tells the story of Qasem, a security guard of a parking where he has revived his memories of the past.

خارج از مسابقه



APoeticLook

Mohammad Ali Talebi tells the story of a self-taught painter's life in his mid-length documentary film 'Mama Hassan' – with the help of his own son. Talebi has been interested in documentary filmmaking since 35 years ago. "Many years ago, I made a documentary under the title 'A Lifetime at Work' which was about the coal-mine workers in Yazd Desert. Then I became interested in fiction movies, but in most of my works you can see a sign of documentary film; as in my opinion, documentary film is much closer to reality and basically I believe the most crucial function of art, especially in documentary filmmaking, is to explore social concerns and issues of each historical period", the director says.

Iranian Cinema

No.4 - Wed, 3RD Dec - 2014

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

نگاهی شاعرانه به زندگی زن نقاش

محمد علی طالبی که به همراه پسرش زندگی یک نقاش خودآموز را سوژه «ننه حسن» کرده از چگونگی ساخت فیلم، زمینه علاقه‌اش به مستندسازی و آینده سینمای مستند گفته است

بنت الهدی صدر

s.b.sadr@gmail.com

محمد علی طالبی کارگردانی مطرح در سینمای داستانی است؛ کارگردانی که نامش یاد آور «چکمه»، «گل پامچال» و «کیسه برنج» است. طالبی حالا بار دیگر سراغ ساخت فیلم مستند رفته و همراه با پسرش فیلم «ننه حسن» را کارگردانی کرده است. می‌گوید: «قصد داریم در این عرصه همچنان فعالیت کنیم.»

تصاویری از حضور زن رادر گورستان می‌بیند که بر مزار ۱۱ فرزند فوت شده‌اش می‌گرید و سپس ۱۱ گلی رادر یکی از نقاشی‌های ننه حسن می‌بیند که به نشان این فرزندان کشیده شده است. پس کاشت گل در گلدان نمادی از امید در زندگی اوست...»

آینده روشن سینما حقیقت

محمد علی طالبی سینمای مستند ایران را دارای آینده‌ای درخشان می‌داند که به خوبی توانسته مسائل اجتماعی، دغدغه‌ها و حتی روزمرگی‌های مردم جامعه را به تصویر بکشد: «به نظر من آینده سینمای مستند، آینده‌ای خوب و روشن است. چرا که در حال حاضر شاهد فیلم‌هایی از زنده‌ان جوانان کشورمان هستیم. به تازگی فیلمی دیدم که موضوع نابودی محیط زیست و فضای سبز را به شکلی منحصر به فرد به نمایش گذاشته بود؛ این آثار بسیار هشدار دهنده و تکان دهنده هستند اما رسالت خود را به خوبی در حق جامعه ادا می‌کنند.»

این فیلمساز، سینمای مستند را سینمایی ارزان و در دسترس جوانان عنوان می‌کند که به آن‌ها امکان می‌دهد به راحتی در جشنواره‌ها حضور پیدا کنند: «سینما حقیقت جشنواره قابل تأملی است و فرصتی است برای جوانانی که در پی بیان دغدغه‌ها و زوایای دید خود هستند و می‌خواهند به طرح مشکلات اجتماعی بپردازند. این جشنواره در این دوره بسیار پیگیر بوده و از نظرها و پیشنهادهای استقبال کرده است که حرکتی مثبت و ستودنی به شمار می‌رود؛ حرکتی که در جشنواره‌های دیگر کم‌رنگ‌تر دیده می‌شود.»

توجه در زندگی سوژه فیلمش می‌داند: «او بدون آموزش و براساس نگاهی که به زندگی دارد نقاشی می‌کند؛ برای همین کارهایش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ اگر چه حتی آثارش به نقاشی‌های کودکانه نزدیک است.»

یک روایت صادقانه

طالبی تلاش کرده راوی صادقی باشد: «اگر فرد دیگری به این سوژه می‌پرداخت، اثری کاملاً متمایز و شاید دور از فضای کنونی را به تصویر می‌کشید. من و پسرم آرش، تلاش کردیم روایت ساده‌ای زندگی «ننه حسن» را همان‌گونه که هست در فیلم بگنجانیم؛ کمتر مداخله کنیم و روابط او را با فامیل، اهل محل و اطرافیان بر اساس علایق درونی و مذهبی‌ای که دارد، به خوبی در قاب دوربین جای دهیم.» در پلانی از فیلم، هوارو به غروب است؛ ننه حسن به همراه چند زن دیگر دور هم نشسته‌اند و بلالی می‌خورند! طالبی این صحنه را خیلی دوست دارد و برای رسیدن به تصویر مطلوب، خودش چوب می‌آورد، آتش برپا می‌کند و بخشی از زندگی «ننه حسن» را برای تماشاگر بازسازی می‌کند: «حس می‌کردیم این صحنه‌ها و تصاویر به نقاشی‌ها نزدیک هستند؛ در پلانی دیگر ننه حسن گل می‌آورد و آن در گلدان می‌کارد، این در حالی است که تماشاگر پیش از آن

محمد علی طالبی از ۳۵ سال پیش دلبسته مستندسازی بوده: «سال‌ها پیش مستندی با عنوان «عمری در کار» ساختم که درباره کارگران معادن زغال سنگ در کویر یزد بود و پس از آن نیز مستندی راجع به برنج کاران شمال کلید زدم و بعدها جذب سینمای حرفه‌ای و داستانی شدم اما در اغلب فیلم‌هایم رگه‌هایی از سینمای مستند دیده می‌شود؛ چرا که به زعم من سینمای مستند، به واقعیت نزدیک‌تر است و اساساً اعتقاد دارم اساسی‌ترین کار هنر، به ویژه در مستندسازی، پرداختن به دغدغه‌ها و مسائل اجتماعی هر دوره تاریخی است.»

نقاشی غربی

از نگاه طالبی، آثار ارزشمند هستند که در مسیر مسائل روز و دغدغه‌های جامعه ساخته می‌شوند: «در بیش از ۱۰ اثری که ساختم، شاهد هستم که در همین مسیر حرکت کرده‌ام؛ جنگ، آموزش، وقایع طبیعی و... همه مواردی هستند که سعی کرده‌ام آن‌ها را مورد توجه قرار دهم؛ اما به هر ترتیب هر سوژه‌ای نگاهی را می‌طلبد.»

از خانه هنرمندان تاروستای ننه حسن

طالبی از سادگی فوق‌العاده‌ای که در زندگی و رفتار خانم رضانی حس کرده می‌گوید و نقاشی‌های این زن را بهانه‌ای قرار داده است تا به سراغ جذابیت‌های زندگی برود؛ نقاشی‌هایی که بر گرفته از ضمیر صاف و بی‌غل غش ننه حسن است: «یک روز به خانه هنرمندان رفتم و در آنجا با نمایشگاهی از مجموعه نقاشی‌های خانم رضانی مواجه شدم. نقاشی‌هایی ساده و در عین حال سرشار از روح و زندگی؛ سوژه قشنگی بود و این موضوع باعث شد از طریق اینترنت با پسرش آشنا شوم و کم‌کم زمینه ساخت این فیلم شکل گرفت.» این کارگردان، نقاشی را هنری درونی و خودجوش عنوان می‌کند و همین موضوع را نکته قابل

تصویر متفاوتی از نقش‌های قالی

مستند «ننه حسن» روایتی از خانم رضانی اهل زنجان است که ۷۵ سال سن دارد. او به طور غریزی نقاشی می‌کند و توانسته در این عرصه موفقیت‌های فراوانی به دست آورد. ننه حسن به خاطر تبحر در قالی بافی حالا نقش‌های روی قالی را به گونه دیگری به تصویر می‌کشد... «ننه حسن» نگاهی شاعرانه به زندگی زنی روستایی دارد. این زن سعی کرده با دردها و رنج‌هایش مبارزه کند تا زندگی خود را زیباتر بسازد.

اصل مطلب

من شیفته سینما حقیقت هستم

همه جور راهی برای ساخت مستندهای خوب و تأثیرگذار وجود دارد. بعضی از مستندها «جدلی» هستند و من تاکنون مستندهای جدلی بسیاری را تماشا کرده‌ام که اتفاقاً از آنها خوشم آمده است. بعضی از مستندها اطلاع‌رسان و آگاهی بخش هستند، مانند «دزدی داخلی» (برنده اسکار بهترین فیلم مستند ۲۰۱۰، به کارگردانی چارلز فرگوسن). عاشق این فیلم هستم. اما [حیف که] خودم نتوانستم آن را بسازم. هنگام ساخت فیلم، هدفم این است که اگر احساس همدلی و همدردی با آدم‌ها ندارم، دست کم درکشان کنم. از طرفی طرز فکر من این است که باید با چشمانی باز و عاری از قضاوت به آدم‌ها به عنوان موجوداتی پیچیده نگاه کنم؛ با وفاداری به همان که هستند. منظورم این است که دلم نمی‌خواهد سر مخاطب کلاه بگذارم، بلکه بیشتر قصد دارم بیننده نسبت به آدم‌ها قدری محبت و شفقت در دلش احساس کند و به درک عمیق‌تری از آنها برسد. و خب، فکر کنم وقتی فیلم می‌سازم آدم بهتری هستم، زیرا این دقیقاً همان چیزی است که نیازمند بهتر بودن است. این مقوله بخشی از شرح وظایف این حرفه به حساب می‌آید؛ البته اگر شما هم جزء این دسته از فیلمسازها باشید. هزار جور فیلم مختلف و همه‌گونه تلفیق سینمایی در این جهان وجود دارد. من همه جور فیلمی دوست دارم و از تمام انواع مستند خوشم می‌آید. خیلی فیلم‌ها و از این جور چیزها تماشا می‌کنم و بعد یک‌جا به خودم می‌گویم: «هی، من هیچ وقت نمی‌توانستم چنین فیلمی بسازم»؛ این را از منظر قضاوت‌گرانه نمی‌گویم، بلکه فقط به این خاطر است که من نمی‌توانم آن شکلی فکر کنم. چون قصه‌گوی خوبی نیستم. می‌شود گفت قدیمی فکر می‌کنم. شیفته «سینما حقیقت» (سینما ورپته) هستم. زمانی که داشتم کم‌کم به سینما علاقه‌مند می‌شدم فیلم‌هایی که بیشترین تأثیر را بر من گذاشتند، از یک سو آثار کلاسیک ورپته بودند، مثل فیلم‌های باربارا کاپل یا برادران میزلز (آلبرت و دیوید) و دیگر فیلم‌هایی که علاقه‌ام را جلب کردند کارهای مایکل آپتد بودند، که به گمانم فیلم‌های من یک جورایی تلفیقی از همه اینهاست.

یادداشت



استیو جیمز مستندساز و تهیه‌کننده آمریکایی

Steve James



گزارش

موجی نو در بازار فیلم مستند

گزارش نشریه روزانه از برگزاری چهارمین بازار بین المللی فیلم مستند با حضور جمعی از میهمانان و متخصصان سرشناس نظیر آدام پولینسکی، ریچارد پتیگرو، مهر داداسکویی و وحید اسفندیاری و...

آیدان دین

aida.tadayon@gmail.com

چهارمین بازار بین المللی فیلم مستند از دیروز ۱۱ آذر در «نگارخانه خیال نو» مؤسسه فرهنگی صبا (در مجاورت سینما فلسطین) کار خود را در قالب میزگردهای تخصصی و با سرفصل‌های مشخص آغاز کرد. بازار فیلم مستند که سرانجام امسال پس از چند دوره وقفه دوباره برگزار می‌شود، از حال و هوایی متفاوت با بازار فیلم جشنواره بین المللی فیلم فجر برخوردار است. حضور کارشناسان بین المللی و متخصصان ایرانی در نشست‌های تخصصی و عمومی و ملاقات با علاقه‌مندان حوزه مستند، فضایی صمیمانه را برای ایجاد تبادل هر چه بیشتر میان دوستداران سینمای مستند به وجود آورده است.

معرفی فیلم‌های امروز



همسر خوب، پسر عزیز
Good Husband, Dear Son
هلند ۲۰۰۱
The Netherlands 2001

۲ هدی هانگیمان، مستندساز نامدار هلندی، این مستند ۱۲۳ دقیقه‌ای را کارگردانی کرده و فیلمنامه آن حاصل همکاری مشترک هانگیمان، بوستر گولد و امیر دزینو است. این فیلم بلند درباره روستایی است که در حصار تپه‌های سارا ایوو پنهان شده است. در ۱۹۹۲، نزدیک ۸۰ درصد مردان این روستا را کشتند. تک‌تک این افراد برای خانواده و اجتماعی که در آن زندگی و کار می‌کردند عزیز و خاص بودند. «همسر خوب، پسر عزیز» داستان دراماتیک و مصیبت‌بار این قتل عام فراموش شده است که هانگیمان آن را به شیوه‌ای صمیمانه به تصویر کشیده است.



کوچ زمستانی
Winter Nomads
سوئیس ۲۰۱۲
Switzerland 2012

۱ این مستند ۹۰ دقیقه‌ای، ماجرای کوچ زمستانی کارول و پاسکال را به تصویر می‌کشد. این فیلم بلند که در امانوئل فون استرلر کارگردانی کرده و کامیل کوتاینو فیلمبرداری آن برعهده داشته است. در فیلم کارول و پاسکال را می‌بینیم که همراه سه الاغ، چهار سگ و هشتصد گوسفند در حال کوچیدن هستند. آنها باید با سرمای استخوان‌سوز و برف سنگین زمستانی مبارزه کنند و شب‌ها تنها پناهگاه‌شان پوست حیوانات و پارچه کرباسی است. این فیلم در جشنواره ویز یون در ویل ۲۰۱۴، جایزه خلاقانه‌ترین فیلم بلند مستند را به دست آورد.



A Totally Different Market

The fourth edition of Iran Documentary Film Market was opened yesterday in the 'Khal-e-Now' gallery of the Saba Cultural Institute, close to Fellestin Cinema. It was the first time that this event was held in the form of specialty round-tables, instead of formal stalls. There were topics on which the experts and filmmakers commented and exchanged opinions. Anne Thome, Richard Pettigrew, Mehrdad Oskoui and Vahid Esfandaryari were present as specialists of the field.

گپ و گفت تخصصی در فضای صمیمانه

ظهر روز گذشته همزمان با افتتاح چهارمین بازار فیلم مستند، نخستین میزگرد تخصصی این حوزه از ساعت ۱۳:۳۰ به مدت یک ساعت با حضور متخصصان ایرانی و خارجی و با موضوع «کسب سرمایه در فیلم مستند» برگزار شد. شیرین نادری، مدیر بخش بین الملل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، که دیروز در محل برگزاری بازار فیلم حضور یافته بود، در گفت و گو با نشریه روزانه تأکید کرد: «چون ما با مسئله از طرح تا عرضه روبه رو هستیم، فیلمسازان ما باید بتوانند جوری طرح شان را ارائه کنند که در پایان، فیلمی که ساخته اند قابل عرضه در بازارهای خارجی باشد.» آدام پوپلینسکی (خریدار و متخصص سینمای مستند از لهستان) و وحید اسفندیاری از افراد حاضر در این نشست بودند. پوپلینسکی با ارائه راهبردهای بین المللی در عرصه فیلمسازی مستند و کسب سرمایه، به تبادل نظر با متخصصان ایرانی این حوزه پرداخت.

استقبال فیلمسازان داخلی از میزگردها

دومین میزگرد تخصصی یک ساعته روز نخست نیز رأس ساعت ۱۴:۳۰ با موضوع «چگونگی انتخاب فیلم در جشنواره های مستند» و با حضور آن تومه (برنامه ریز جشنواره مونیخ آلمان)، دکتر ریچارد پتیگرو (مدیر جشنواره تاک آمریکا) و حسن دزواره (مشاور بین الملل انجمن سینمای جوانان ایران) برگزار شد. یکی از مهم ترین نقاط مثبت بازار امسال، فاصله گرفتن از فضای غره وار و رایج سه دوره گذشته است. حضور متخصصان خارجی و ایرانی در کنار یکدیگر و فضای صمیمانه ای که در نتیجه میزگردها به وجود آمده است از ویژگی های بارز چهارمین بازار فیلم مستند به شمار می رود. فاطمه کریمه سونیوسل (تهیه کننده ارشد شبکه تی آر تی ترکیه) و کاز بارما (مدیر بخش و فروش شرکت ساید فیلمز انگلستان) نیز از جمله میهمانان خارجی نشست سوم بودند که از ساعت ۱۷ تا ۱۸ برگزار شد و در این میان اشتیاقی حاضران ایرانی چشمگیر بود.

تکرار یک سفر شگفت انگیز

با گشت و گذار در بخش بازار فیلم، به دکتر ریچارد پتیگرو برمی خوریم؛ کسی که از جمله میهمانان سرشناس و متخصصان برجسته بین المللی حوزه مستند جشنواره امسال است. این دومین سال پیاپی است که پتیگرو در جشنواره فیلم سینما حقیقت حاضر شده است و به گفته خودش تجربه سال گذشته آن قدر برایش ارزشمند بود که تصمیم گرفت امسال مدت زمان سفرش به ایران را افزایش دهد تا به این ترتیب فرصت بیشتری برای ارتباط و تعامل سازنده با مستندسازان ایرانی داشته باشد. مدیر جشنواره فیلم تاک امریکا اضافه کرد: «امسال به اندازه سال گذشته از دیدن چنین جشنواره ای در ایران شگفت زده نشدم، اما از این که می بینم بر خورده ام چنان گرم و صمیمانه و مثل سال گذشته پر شور است بسیار خوشحال هستم.»

وقتی همه چیز فراتر از انتظار ژرمن هاست

آن تومه، برنامه ریز جشنواره فیلم مونیخ نیز از جمله میهمانان حاضر در نشست دیروز بود. او در گفت و گو با نشریه روزانه نسبت به نخستین حضورش در ایران ابراز خوشحالی و هیجان کرد. تومه که پیش از سفر به ایران به واسطه یکی از دوستان فیلمسازش، با جشنواره سینما حقیقت آشنایی داشت در این باره گفت: «از یک سو دلم می خواست با فیلمسازان و بخش کنندگان ایرانی آشنا بشوم و از سوی دیگر هدفم معرفی جشنواره مونیخ بود تا از این طریق فیلمسازان ایرانی را به حضور در این رویداد هنری دعوت کنم.»

Introduction to Films



دودکش سفید
White Chimney
۲۰۱۴ فنلاند
Finland 2014

«دودکش سفید»، یک مستند

4

نیمه بلند ۲۴ دقیقه ای است که یانی پلتون کارگردانی و نویسندگی آن را انجام داده است. فیلم درباره تابستانی جاودانه است؛ جوانی جاودانه و آرمان شهر انسان جدید. پارک جنگلی اولانکو همیشه محلی برای تماشای سبک ها و ایده های حاکم بوده است. در ۱۹۳۸، هتل اولانکو در هایش را به روی عموم مردم گشود. در اواخر تابستان ۱۹۳۹، تنها یک ماه پیش از آغاز جنگ جهانی دوم، گروهی به این هتل آمدند. یکی از اعضای این گروه، دختری ۱۹ ساله و بازیگری تازه کار به نام «سیر کاساری» بود. اما چه بلایی به سر او آمد؟



طوفان ها
The Storms
۲۰۱۴ بلژیک
Belgium 2014

مستند بلند «طوفان ها» به نویسندگی

3

و کارگردانی پیر-ایوانده ورد، درباره طوفان برفی است که باعث گنجی و سردرگمی می شود. شدت و مدت زمان این طوفان به قدری جانکاه و طولانی است سبب مالیخولیا و افسردگی می شود. مردمانی که در آن ناحیه زندگی می کنند، برج ناقوسی بر پا کرده اند تا در زمان وقوع طوفان بتوانند گمشدگان شان را دوباره بیابند. و چوپان ها که باز بچه دست طبیعت بی رحم و مغلوب مهاجرت های فصلی هستند، از روزه های شان برای دعا در حق ارواح گمشده یا فراموش شده استفاده می کنند.

پروژه های برای چهار جهان

زوج مستندساز آمریکایی از
مستندهای «باستان شناسی» و
تجربه گرایی در این عرصه گفتند:

کارگاه تخصصی صبح سومین روز برگزار می شود. جشنواره بین المللی سینما حقیقت با حضور زوج مستندساز آمریکایی «دیوید لوپران» و «ایمی هلپرن» برگزار شد. این زوج در ارتباط با موضوع تجربه گرایی در مستند «باستان شناسی» نظرات و تجربیات خود را با حاضران به اشتراک گذاشتند. آنها معتقدند: «باستان شناسی و سینمای مستند با هم به لحاظ تعریف در برخی قسمت ها نقاط مشترکی دارند که مهم ترین آن این است که هر دوی آنها به دنبال حقیقت هستند.» در ادامه این جلسه، لوپران از تجربیاتش گفت: «ده سال پیش ایده ای ساخت فیلم مستندی در زمینه باستان شناسی به ذهنم رسید. نام این پروژه را «چهار جهان» گذاشتم. به این معنا که تصمیم داشتیم چهار فیلم کوتاه ۱۵ دقیقه ای در مورد هنری که در دوره پارینه سنگی، قرون وسطی در قالب حکاکی به روی سنگ ها وجود داشت را تا زمانی که دیگر هنر و هنرمند شناخته شد به همراه مسیر تحولشان نشان دهیم. برای ساخت این فیلم چهار فرهنگ را انتخاب کردم و به سراغ چهار اقلیم بزرگ یعنی دوران «ما قبل کریستوف کلمب»، «دوران باستانی تا قرون وسطی در اروپا»، «دوران باستانی و اسلامی در خاورمیانه» و «فرهنگ هندو آسیایی» رفتم.» این مستندساز در ادامه صحبت هایش توضیح داد: «در آن زمان امکانات ساخت برای چنین فیلمی فراهم نبود. به دلیل این که باید تعداد زیادی عکس با کیفیت از اشیاء موجود در موزه ها می گرفتیم که باید سیستم نورپردازی و سه پایه با خودمان به آنجا می بردیم در این صورت متحمل هزینه زیادی می شدیم. در آن زمان تکنیک مورفینگ (ادغام تصویر اشیاء) هم وجود نداشت. می خواستیم با ساخت این فیلم سیر تکامل هنر را در شرایط مختلف نشان دهیم.» به عقیده لوپران آثاری از این قبیل برای نمایش در سینماها خیلی مفید نیست بلکه آنها را می توان در جایی مانند گالری موزه ها به نمایش گذاشت. ایمی هلپرن نیز در ادامه صحبت های همسرش تأکید کرد: «کلمه تجربی برای فیلم های مستند درست نیست و به نظرم باید واژه جدیدی برای آن انتخاب کرد چرا که فیلم زمانی تجربی است که سازنده اثر در حال ساخت آن است اما بعد تمام شدن مراحل ساخت در هنگام نمایش آن اثری است که سازنده قبلاً تجربه کرده است.»



چه خبر از جشنواره سینما حقیقت؟

باز تاب اتفاقات جشنواره در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها

فلسطین روی پرده می‌رود و با هماهنگی‌های به عمل آمده، آیدا شاملو و جمعی دیگر از فرهیختگان شعر و ادب ایران از نزدیک، به تماشای این فیلم مستند خواهند نشست.

باز تاب اهدای یک نماد

«نماد جشنواره باستان‌شناسی آمریکا به طباطبایی نژاد اهدا شد» این تیتری بود که روز گذشته روی غالب خبرگزاری‌ها قرار گرفت. تسنیم در این باره نوشت: «عصر دوشنبه ۱۰ آذر و در دومین روز از برپایی جشنواره سینماحقیقت، نمادی از جشنواره بین‌المللی باستان‌شناسی تک TAC آمریکا توسط پروفیسور «ریچارد پتیگرو» مدیر این جشنواره به سیدمحمد مهدی طباطبایی نژاد مدیر عامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و دبیر جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت اهدا شد.»

به روایت کیانیان

حضور کیانیان در جشنواره سینماحقیقت هم باز تاب گسترده‌ای در رسانه داشت. ایسنا در کنار معرفی فیلم‌ها، بخش‌هایی از گفته‌های این بازیگر را روی خروجی‌اش فرستاد. خبرگزاری فارس هم در کنار پوشش اخبار جشنواره سراغ مصطفی حریری کارگردان مستند «تاق جنگ» رفت: «سخن سینمایی این فیلم که در جشنواره فیلم به نمایش درآمد از تلویزیون پخش نمی‌شود و ما بر نامه خود را برای اکران‌های خصوصی و دانشجویی گذاشته‌ایم.»

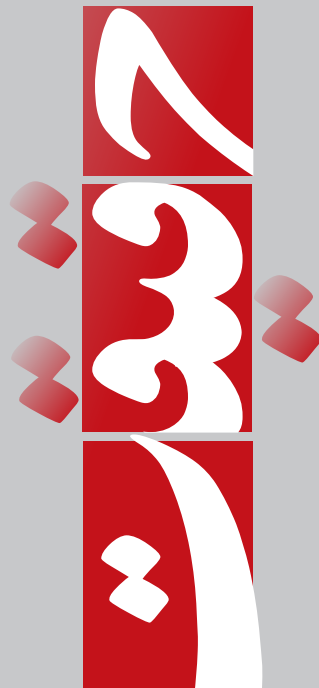
جشنواره سینماحقیقت روزهای شلوغی را تجربه می‌کند، جمع مستند دوستان در سینما فلسطین و سپیده جمع است و در کنار تماشای فیلم فرصت مغتنمی برای شرکت در برنامه‌های جنبی فراهم شده. همکاران رسانه‌ای هم به شیوه‌های مختلف تلاش می‌کنند اتفاقات جشنواره را در قالب خبر، گزارش، تحلیل و گفت‌وگو پوشش دهند.

غافلگیری در سینماحقیقت

روزنامه شرق در گزارشی جشنواره را این‌گونه توصیف کرد: «شاید سینماحقیقت تنها جشنواره سینمای ایران باشد که از همان روز اول، با استقبال گسترده علاقه‌مندان سینمای مستند مواجه می‌شود. این استقبال در نخستین روز از هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت و هنگام نمایش فیلم‌های مستند «گزارش یک باز پرس» ساخته محسن خان جهانی و «چه کسی ما را کشت؟» محمدحسین جعفریان به اوج خود رسید. مستندهایی که همزمان، سالن شماره یک و دو سینما فلسطین را پر کردند تا نشان دهند که فیلم مستند هم مخاطبان انبوه خود را دارد...»

شاملو می‌آید

همشهری آنلاین گزارشی مفصل از برنامه روزهای آینده تدارک دیده و در بخشی از آن نوشته: «مستند «آید در آینه شاملو» ساخته مختار شکری پور ساعت ۱۶ عصر جمعه (۱۴ آذرماه) در سالن شماره ۱ سینما



نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

- مدیر مسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد
- سر دبیر: آرش خوشخو
- دبیر تحریریه: وحید سعیدی
- مدیر هنری: محمد نبیاتی نژاد
- دبیر اجرایی: مرجان فاطمی

- سینمای ایران: احمد رنجبر
- بخش بین الملل: آیدا تدین
- بخش خبری: محمد صابری
- بخش عکس: حامد خورشیدی

- تحریریه: محمدصادق شایسته
- احمد رضا حجاززاده، زهرا عباسی
- آرزو باقری، شیمنا انتظاری
- بنت الهدی صدر و علی اکبر دهیان

- عکس: حامد بارچیان
- هدیه میرحسینی و علیرضا تقوی
- صفحه آرایی: بتسابه کرم پور
- حروف نگار: مسعود عسگری
- ویرایش عکس: امیرعلیزاده
- ویرایش و تصحیح: مهری فدایی مقدم

با سپاس فراوان:

- رسول صدرعاملی، مصطفی رزاق کریمی، داوود نماینده
- رامین حیدری فاروقی و سعید ابوطالب

با تشکر از همراهی:

- علی اصغر لشنی

چندماه قبل!

روز سوم «سینماحقیقت» به روایت محمود یار محمدلو

بنده قبلاً هم سابقه مستندسازی برای جشنواره‌ها را داشته‌ام اما در مورد سینماحقیقت اگر بخواهم دور بین به دست بگیرم نام مستند را «چندماه قبل» می‌گذارم که یادآور همان روزهایی باشد که اولین جلسات هماهنگی برای برگزاری مناسب جشنواره هشتم برگزار شده است. بعد با استفاده از تصاویر تلاش‌های آماده‌سازی به واسطه تدوین موازی شرایط برگزاری امروز و تلاش‌های دیروز را هم زمان روایت می‌کنم. جشنواره امسال با استقبال ویژه مستندسازان همراه شده است و این حاصل فعالیت ستاد جشنواره از ماه‌ها قبل است. معتمد رویدادها در جشنواره سینماحقیقت حالت کروی دارد و به صورت یک ساختار چند صدایی مجموعه تلاش‌های افراد و گروه‌های مختلف به این نتیجه مطلوب منتهی شده است. بنده از آنجا که سعی کرده‌ام در بخش‌های مختلف جشنواره مانند رونمایی کتاب، جلسات نقد بررسی، بازار فیلم و غیره حضور فعال داشته باشم می‌توانم به صراحت بگویم که کیفیت برگزاری جشنواره امسال بسیار خوب بوده و به همین دلیل هم با استقبال دوستان مستندساز مواجه شده است. این فضا به واسطه مجموعه تحولاتی که در آن رخ می‌دهد آنقدر پر حجم و غنی است که پرداختن به آن نیازمند مستندی با ریتم بسیار تند است. تدوین موازی تلاش‌ها برای برگزاری هر چه بهتر جشنواره با کیفیت برگزاری امروز را تا رسیدن به روز افتتاحیه ادامه خواهیم داد و به این اشاره خواهیم کرد که آغاز به کار جشنواره چه موجی را در فضای رسانه‌ای با محوریت سینمای مستند به وجود آورده است. اصل ایده من برای ساخت چنین مستندی همان روایت موازی است که البته در آن به رغم ریتم تند دور بین نباید روی دست گرفته شود بلکه با آرامش باید روایتگر تلاش‌های انتخاب و داوری، روابط عمومی و موارد مشابه باشد. تلاش‌ها برای برگزاری منظم برنامه‌ها، تکاپو برای رسیدن نسخه‌های آماده اکران و خیلی موارد دیگر همه اینها حالت لابیرنتی را به جشنواره داده است که برای روایت آن می‌توان از یک شات هوایی استفاده کرد تا از منظر آن کلیتی را شاهد باشیم که تشکیل شده از اجزای متنوع و در عین حال فعال و پرتکاپو. در پایان این روایت هم می‌توان نوشت «یک سال بعد...» و از همان جانشانه‌هایی از آغاز تلاش برای برگزاری جشنواره آینده را روایت کرد.



ستون ویژه «مستند فوری» فرصتی است برای روایت مهم‌ترین گردهمایی مستندسازان ایرانی به روایت خودشان. این مختصر بهانه‌ای است برای ثبت و مرور روزانه هشتمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» از لنز دوربین مستندسازان. طرح‌ها را سیدین به طرح کلی ساخت یک مستند درباره «سینماحقیقت» بود. آنچه در این شماره می‌خوانید ایده محمود یار محمدلو برای ساخت این مستند است!

مستند فوری

اهدای نماد TAC به دبیر سینماحقیقت

نماد جشنواره بین‌المللی باستان‌شناسی تک (TAC) آمریکا به دبیر جشنواره سینماحقیقت اهدا شد. این نشان را پروفیسور «ریچارد پتیگرو» مدیر این جشنواره به سیدمحمد مهدی طباطبایی نژاد مدیر عامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و دبیر جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت اهدا کرد. سال گذشته جشنواره باستان‌شناسی تک آمریکا در بخش ویژه‌ای به مرور فیلم‌های منتخبی از جشنواره سینماحقیقت پرداخت و به زودی فیلم‌های باستان‌شناسی ایران هم در این جشنواره معتبر روی پرده خواهد رفت. پروفیسور ریچارد پتیگرو حامل نامه‌ای از طرف شهردار یوجین ایالت آراگون آمریکا خطاب به قالیباف شهر تهران نیز هست که در طول برپایی جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت، تقدیم می‌کند.



خبر ویژه